۷۵

مجلهٔ حقیقت

علمی
فرهنگی
جهادی

سال سیزدهم-شماره دوم/جمادی الاول و جمادی الثانی ۱۴۴۷ هـ ق/عقرب و قوس ۱۴۰۴ هـ ش/نوامبر و دسمبر ۲۰۲۵ م

- افزایش صادرات محصولات ملی افغانستان
- جنگ روانی علیه افغانستان و فریب رسانه‌های مغرض
- افغانستان به سوی اقتصاد تولیدمحور و خودکفا
- فرهنگ دیرینه و ریشه‌دار مردم افغانستان

د اسلامي امارت هوښيار اقتصادي ګام؛ له پاکستانه د اقتصادي تړاو کمول او د اقتصادي خپلواکۍ پر لور حرکت

حقیقت

مجله علمی فرهنگی جهادی

دافغانستان اسلامی امارت

سال سیزدهم، شماره دوم * جمادی‌الاول و جمادی‌الثانی ۱۴۴۷ هـ‌ق * عقرب و قوس ۱۴۰۴هـ‌ش*نوامبر و دسمبر ۲۰۲۵م

مؤسس و مدیر مسئول: احمد تنویر (مولوی نعیم‌الحق حقانی)

دیزاین: صابر بلوچ

مترجم انگلیسی: سعیدالرحمن حنیف

هیئت تحریریه:
محمدداود مهاجر - سعید مبارز
عبدالله هروی - طلحه بدخشانی
صلاح‌الدین نیمروزی-احمدالله جلالی

تماس:
Haqiqat_mag@yahoo.com

صفحه توئیتر مجله حقیقت:
@HaqiqatMagazine

صاحب امتیاز:
امارت اسلامی افغانستان

فهرست مضامین

- سرمقاله..... ۰۱/
- افغانستان در آستانه‌ی انقلاب اقتصادی..... ۰۲/
- افزایش صادرات محصولات ملی افغانستان..... ۰۴/
- تأثیر شبکه‌های اجتماعی (اینترنتی) بر کیفیت روابط اجتماعی..... ۰۷/
- د اسلامي امارت هوښیار اقتصادي ګام؛ له پاکستانه د اقتصادي تړاو کمول او د اقتصادي خپلواکۍ پر لور حرکت..... ۱۰/
- افغانستان به سوی اقتصاد تولیدمحور و خودکفا..... ۱۲/
- فرهنگ دیرینه و ریشه‌دار مردم افغانستان..... ۱۴
- نگاهی دینی، اخلاقی و اجتماعی به وظایف انسان مؤمن در برابر دیگران در روزهای سرد..... ۱۶/
- جنگ روانی علیه افغانستان و فریب رسانه‌های مغرض..... ۱۸/
- نقش سلطنت تیموریان، سلجوقیان، غزنویان و غوریان در تمدن هرات (بخش دوم)..... ۲۰/
- افتخاری دیگر برای کشور؛ سبک مینیاتوری بهزاد به نام افغانستان در یونسکو ثبت شد..... ۲۴/
- مسلمان پیشاهنگ انقلاب و پیام‌آور زندگی..... ۲۶/
- چه غذاهایی برای رفلاکس معده مفیدند و چه غذاهایی مضر؟..... ۲۸/
- سلسله خاطرات میدان جهاد/ شب‌های سنگر (بخش ۱۳)..... ۳۰/
- افغانانو کې د ټولنیز اخلاقي مسؤلیت نشتون..... ۳۳/
- باغچه علم، معرفت و آگاهی..... ۳۴/
- پرسش و پاسخ‌های شرعی (بخش ۳۵)..... ۳۸/
- صفحه ویژۀ شیربچه‌های هندوکش (بخش ۳۷)..... ۴۰/
- زندگان جاوید (بخش ٤٦) گذری کوتاه بر زندگی شهید ملاغلام رسول عزیز -تقبله الله-..... ۴۲/
- بیانیه‌ها و اعلامیه‌های رسمی امارت اسلامی افغانستان..... ۴۶/
- بزم شعر و ادب..... ۴۸/
- خلاصه مقالات به انگلیسی..... ۵۰/

مجله در ویرایش و تصحیح مطالب نویسندگان دست باز دارد.
ادارۀ مجله بدون سرمقاله مسؤلیت هیچ مطلب دیگر را برعهده نمی گیرد.

مطالب نشر شده در «حقیقت» انعکاس دهندۀ آراء و نظریات نویسندگان آن مطالب است.

افغانستان بر اساس سیاست احترام متقابل، با جهان حرف خواهد زد

جهان امروز با التزام‌هایی که خلق کرده، کشورها را به داشتن روابط در تمام عرصه‌ها با هم وادار می‌سازد که این روابط با کشورهای همسایه بیشتر رنگ و رخ می‌گیرد.

روابط مثبت با کشورهای همسایه برای هر کشوری از اهمیت ویژه برخوردار است که این اهمیت از دلایل مختلف حیاتی شکل می‌گیرد.

افغانستان به عنوان یک کشور مستقل، همواره حسن نیت در روابطش با جهان و به خصوص با کشورهای همسایه داشته و در تلاش برای تقویت این روابط بر اساس احترام متقابل بوده است. دستاوردهای دو سال اخیر در عرصه گسترش روابط افغانستان با کشورهای منطقه و جهان، ثبوتی بر این حسن نیت امارت اسلامی افغانستان است.

هم‌اکنون وزیران بخش‌های مختلف کابینه امارت اسلامی با وزیران کشورهای همسایه، منطقه و جهان دیدار و بحث دارند تا روابط در عرصه‌های مختلف گسترش یابد و این روند بدون شک به آینده‌ی افغانستان تاثیر مثبت خواهد داشت.

اما حوادث اخیر به خصوص روابط با نظام پاکستان، به وضوح نشان داده است که افغانستان فعلی، دیگر از دروازه ضعف با کشوری وارد گفت‌وگو نخواهد شد.

نظامیان پاکستان به فکر این که افغانستان به آن‌ها نیاز دارد، بدون در نظر گرفتن احترام متقابل و با دید سیاست ضعیف نسبت به افغانستان دست به اقدام‌های ناشایست زدند که جواب دندان‌شکن دریافت کردند.

پاکستان شاید هرگز چنین سیاستی را از افغانستان ندیده بود و توقع نداشت که افغانستان قوی شده و نسبت به گذشته فرق دارد، با اقدام‌هایی که روابط مبتنی بر احترام متقابل را زیر سوال برده بود، روابط بین دو کشور را خدشه‌دار نمودند.

اکنون برای پاکستان و جهان واضح شده است که اگر روابط براساس احترام متقابل نهفته نباشد، برای افغانستان مورد قبول نبوده و دید ضعف نسبت به افغانستان اشتباه است.

کسی که افغانستان را ضعیف تصور کند و بخواهد سیاست‌های خام را تحقق بخشد، با جوابی همانند جواب به نظامیان پاکستان روبرو خواهد شد، همان جوابی که برگرفته از ارزش‌های ملی و بین‌المللی است و حتی قطع روابط را نیز منجر می‌گردد، عاقبتش هر چه باشد، مهم‌تر از ارزش‌های ملی نیست.

هر کس نسبت به افغانستان و مردم آن دید منفی داشته باشد و بخواهد به مردم و نظامش ضربه بزند، با برخورد سخت و جدی روبرو می‌گردد، چون افغانستان دارای نظام دلسوز و مستقل است و به کسی اجازه نخواهد داد که به تمامیت ارضی و ارزش‌های ملی افغان‌ها ضربه بزند.

هر نظام و فردی که می‌خواهد با افغانستان روابط داشته باشد، باید براساس احترام متقابل و حسن نیت اقدام کند، درغیر این صورت؛ در روابطش موفق نخواهد بود و جواب متقابل خواهد شنید.

افغانستان در آستانه‌ی انقلاب اقتصادی

وحید محمدی

این روزها افغانستان یک نام و یک چهره‌ای جدید به خود گرفته است، چهره و نامی که از چهار سال به این سو با نامش عجین شده و رخ‌نمایی می‌کند.

این چهره، چهره‌ی اقتصادی است که تحول بی‌سابقه یافته و شکل جدید به خود گرفته است.

یکی از نمودهای این چهره جدید، خودکفایی است، خودکفایی که از بودجه ملی طی چهار سال اخیر آغاز و به بخش‌های دیگر آهسته آهسته راه یافته است.

افغانستان طی حداقل چهل سال اخیر، به اندازه چهار سال گذشته بابت بودجه ملی‌اش مستقل نبوده و این استقلال از مدیریت درست منابع و داشته‌های ملی مردم افغانستان سرچشمه گرفته است و با دلسوزی مقام‌ها بوده که خداوند متعال توفیق داده تا بتوان منابع را مدیریت و بودجه را مستقلانه تامین کند.

در بخش تولیدات و فعالیت‌های صنعتی، در ولایات مختلف افغانستان، ما شاهد پیشرفت‌ها بوده‌ایم که این پیشرفت‌ها هم در تولیدات، هم در عرصه سرمایه‌گذاری و هم در عرصه حمایت‌های حکومتی بوده است که همه دست به دست هم داده، پیشرفت‌ها در عرصه اقتصاد در افغانستان را رقم زده‌اند.

همه روزه ما شاهد بستن قراردادها، گفت‌وگوهای سازنده بین مسئولان افغان با کشورهای جهان و در سطح ملی با سرمایه‌داران هستیم که این روند هر روز در حال افزایش است. در حال حاضر تلاش‌ها جریان دارد که از فرصت‌ها و موقعیت استراتژیک افغانستان استفاده گردد تا مردم افغانستان به رفاه برسند.

این همه تلاش فقط با دلسوزی و پشت کار است

که به نتیجه می‌رسند. چون وطن و مردم ما بر مسئولین حق دارند، این حق مسئولین را وادار می‌سازد تا تلاش بیشتری نمایند که از داشته‌های ملی افغانستان استفاده بیشتری صورت گیرد.

خوشبختانه روحیه دلسوزی در مسئولان بلندپایه امارت اسلامی افغانستان نهفته است و این دلسوزی‌شان باعث شده که در شهرها و ولایات مختلف، ما شاهد افزایش میزان سرمایه‌گذاری باشیم که بدون شک باعث افزایش کاریابی به مردم شده است.

در حال حاضر محصولات افغانی در بازارهای خارج از کشور خریداران فراوانی پیدا کرده‌اند که این از برکت تلاش‌های مسئولان است. محصولات زراعتی کندهار، هرات و دیگر ولایات در این اواخر به بازارهای خارج از کشور فرستاده شدند که این خود بیانگر نتیجه دادن زحماتی است که در این راستا به خرج داده شده‌اند.

ما یک کشور متعالی از نگاه داشتن منابع اولیه و نیروی کاری هستیم که این نیروی کاری و منابع اولیه نیاز به مدیریت خیرخواهانه دارد، وقتی این خیرخواهی را منابع موجود و فرصت‌های نهفته در افغانستان در قبال خود ببینند، بدون شک منجر به ترقی و رشد می‌شوند و نتیجه‌اش همان می‌گردد که افغانستان به خودکفایی اقتصادی در تمام بخش‌ها برسد و مردم ما با رفاه و آسایش زندگی کنند.

چون نتیجه‌ی چنین وضعیتی به نفع همه مردم است، همه افغان‌ها مسئول‌اند که در این راستا همدیگر را یاری کنند، با کمک و همکاری همدیگر، ثبات را حفظ و از هر آن چه به عنوان مانع عمل می‌کند، از سر راه بردارند.

کشور عزیز ما افغانستان سال‌ها طعم وابستگی را چشیده است و اکنون که حتی با وجود منجمد بودن سرمایه‌اش، توانسته سر پای خود ایستاده شود، نیاز به حمایت و تلاش همگی دارد.

انقلاب اقتصادی یعنی خودکفایی و خودکفایی یعنی رسیدن به تعالی در پرتو ارزش‌های اسلامی و خواست‌های مردم ما که بدون شک با خودکفایی تحقق خواهد یافت و با اقتصاد خوب و قوی حمایت خواهد شد.

افزایش صادرات محصولات ملی افغانستان

نویسنده: ش. امیری

صادرات محصولات ملی برای هر کشوری به‌ویژه افغانستان نه فقط یک منبع درآمد، بلکه موتور رشد اقتصادی، اشتغال‌زایی و ارتقای سطح زندگی مردم است. در سال‌های اخیر صادرات محصولات ملی افغانستان شاهد تحرک تازه‌ای بوده و در مقایسه با دهه‌های گذشته رشد قابل توجهی را تجربه کرده است. این کشور با داشتن تولیدات زراعتی با کیفیت و فرهنگ غنی صنایع دستی ظرفیت عظیمی برای حضور در بازارهای بین‌المللی دارد و اکنون در مسیر تبدیل شدن به یک کشور صادرکننده فعال‌تر قرار گرفته است. این مقاله تلاش می‌کند وضعیت کنونی صادرات افغانستان، عوامل تأثیرگذار بر رشد آن، مشکلات موجود و راه‌های تقویت پایدار صادرات را تحلیل و ارزیابی کند.

وضعیت کنونی صادرات کشور:

در سال‌های اخیر، صادرات افغانستان نسبت به گذشته روندی رو به افزایش داشته است. آمارهای موجود نشان می‌دهد که اقلامی مانند زعفران، جلغوزه، میوه خشک، قالین، انگورتازه، انار، گیاهان طبی و سنگ‌های قیمتی بیش از گذشته وارد بازارهای منطقه‌ای و جهانی شده‌اند. افزایش صادرات به کشورهای هند، چین، کشورهای عربی و حتی بازار اروپا نشان دهنده تغییرات مثبت در ساختار اقتصاد افغانستان است. از جمله محصولاتی که در این سال‌ها بیشترین رشد صادراتی را داشته، جلغوزه است. افزایش تقاضا در چین، امارات و برخی کشورهای اروپایی باعث شد جلغوزه افغانستان در

چند سال اخیر به یکی از اقلام مهم صادراتی تبدیل شود. از سوی دیگر زعفران افغانستان که در سطح جهانی کیفیت ممتاز دارد، جایگاه درخشانی در بازارهای بین‌المللی پیدا کرده و جوایز متعدد جهانی را از آن خود کرده است. این محصولات همراه با صنایع دستی چون قالین و گلیم نقش مهمی در افزایش درآمد صادراتی کشور داشته‌اند.

با وجود چالش‌ها، افزایش اخیر صادرات نشان می‌دهد که اگر سیاست‌های اقتصادی مناسب، تسهیلات در حمل‌ونقل و حمایت از تولیدکنندگان تقویت گردد، افغانستان می‌تواند وابستگی تاریخی خود را کاهش داده و اقتصادش را از حالت مصرفی به تولیدی تبدیل کند.

عوامل موثر بر افزایش صادرات:

رشد صادرات ملی نتیجه مجموعه‌ای از عوامل داخلی و خارجی‌اند که قرار ذیل می‌باشد.

۱) **بهبود کیفیت محصولات**: توجه تولیدکنندگان به روش‌های نوین کشاورزی، استفاده از بسته‌بندی بهتر و رعایت برخی استانداردها باعث شده محصولات افغانستان قابلیت رقابت بیشتری در بازارهای جهانی پیدا کنند. کیفیت بالای زعفران، خشکبار و جلغوزه سبب شده مشتریان خارجی به‌ویژه در کشورهای عربی و آسیایی توجه بیشتری به تولیدات افغانستان نشان دهند.

۲) **بازشدن مسیرهای جدید تجاری**: استفاده از دهلیزهای هوایی، توافق‌های تجاری محدود و همچنین بهبود نسبی دسترسی به بازارهای منطقه‌ای به رشد صادرات کمک کرده است.

۳) **افزایش فعالیت تاجران و بخش خصوصی**: بخش خصوصی افغانستان در سال‌های اخیر پویاتر عمل کرده و تلاش نموده محصولات را مستقیم وارد بازارهای خارجی کند. حضور تاجران افغان در نمایشگاه‌های منطقه‌ای و جهانی نیز به معرفی محصولات کمک کرده است.

۴) **رشد اهمیت محصولات طبیعی در جهان**: بازارهای جهانی به سمت استفاده از محصولات طبیعی و ارگانیک حرکت کرده است. چون بخش بزرگی از تولیدات افغانستان بصورت طبیعی و بدون مواد کیمیاوی تولید می‌شود، این روند جهانی یک فرصت طلایی برای محصولات کشور ایجاد کرده است.

چالش‌های موجود در مسیر صادرات:

باوجود رشد قابل توجه، صادرات افغانستان هنوز با مشلات زیادی روبرو است. اگر این موانع رفع شوند این رشد همیشه پایدار و صعودی خواهد بود.

۱) **مشکلات حمل‌ونقل و بسته بندی**: نبود سردخانه‌های کافی، کمیابی ماشین های یخچال‌دار، خرابی مسیرهای زمینی و هزینه بالای هواپیماها باعث می‌شود بسیاری از محصولات تازه کشور قبل از رسیدن به مقصد خراب شوند یا کیفیتشان را از دست بدهند.

۲) **نبود استانداردهای بین‌المللی**: بسیاری از محصولات افغانستان هنوز گواهی‌های بین‌المللی مانند ISO یا HACCP را دریافت نکرده‌اند. این مسأله باعث می‌شود برخی کشورها از پذیریش کالاهای افغانستان خودداری کنند یا قیمت پایینی پیشنهاد دهند.

۳) **محدودیت در بسته‌بندی حرفه‌ای**: بسته‌بندی شیک، مدرن و اطلاعات محور یکی از مهمترین عناصر فروش موفق در بازارهای خارجی است. متأسفانه بسیاری از تولیدکنندگان به دلیل هزینه‌های بالا یا نبود تجهیزات مناسب نمی‌توانند بسته‌بندی‌های استاندارد جهانی تهیه کنند.

۴) **نبود بانکداری بین‌المللی**: مشکلات بانکی صادرات را پیچیده کرده است. تاجران نمی‌توانند آسان پول دریافت کنند و مجبور هستند از روش‌های واسطه‌ای استفاده کنند که هم پرهزینه است و هم اعتماد خارجی‌ها را کاهش می‌دهد.

۵) وابستگی به چند کشور محدود: بیشتر صادرات افغانستان به چند کشور همسایه یا منطقه‌ای محدود است. این وابستگی ممکن است در صورت تغییر سیاست‌ها یا افزایش تعرفه‌ها صادرات کشور را دچار بحران کند. بطور مثال تنش‌ها و بسته‌شدن مرز کشور با پاکستان همواره سبب ضایع شدن کالاهای صادراتی کشور می‌شود.

اگر مسیرهای ترانزیتی فعال شود، هزینه حمل‌ونقل به شدت کاهش یافته و صادرات چند برابرمی‌شود.

نیروی انسانی جوان: بخش بزرگی از جمعیت افغانستان را جوانان تشکیل می‌دهند. با آموزش‌های حرفه‌ای در بخش تجارت، بسته‌بندی و بازاریابی می‌توان نسل جدیدی از صادرکنندگان حرفه‌ای تربیت نمود.

ظرفیت بالقوه افغانستان برای توسعه صادرات:

افغانستان ظرفیت این را دارد به یکی از کشورهای مهم صادرکننده منطقه تبدیل شود. برخی از این ظرفیت‌ها عبارت‌اند از:

محصولات کشاورزی با کیفیت: اقلیم متنوع افغانستان امکان تولید محصولات ممتاز مانند زعفران، جلغوزه، میوه خشک، انگور و انار، عسل طبیعی و گیاهان دارویی را فراهم کرده است. بسیاری از این محصولات در جهان کمیاب و پر طرفدار هستند.

صنایع دستی غنی: قالین، گلیم، گل‌دوزی، زیورآلات سنتی و محصولات چرمی افغانستان ظرفیت عظیمی برای صادرات دارند. قالین افغانستان یکی شناخته‌شده‌ترین برندهای جهانی است.

موقعیت جغرافیایی مناسب: افغانستان در مسیر اتصال آسیایی جنوبی، آسیایی میانه و چین قرار دارد.

راهکارهای علمی برای افزایش صادرات پایدار:

۱) ایجاد مراکز بسته بندی و سردخانه؛
۲) حمایت دولت از صادرکنندگان؛
۳) گسترش روابط تجاری با کشورهای جدید؛
٤) آموزش بازاریابی بین‌المللی؛
۵) ایجاد برند ملی برای برخی از محصولات.

افزایش صادرات محصولات ملی افغانستان در سال‌های اخیر نشان دهنده ظرفیت بالای کشور برای ورود به بازارهای جهانی است. محصولات افغانستان از لحاظ کیفیت، طعم، طبیعی بودن و ارزش فرهنگی در سطح جهانی بی‌نظیرند. با وجود تمام مشکلات، روند رو به رشد صادرات ثابت کرده است که اگر دولت، بخش خصوصی و جامعه بین‌المللی همکاری کنند، افغانستان می‌تواند از یک اقتصاد وابسته به واردات به یک اقتصاد مولد و صادرکننده تبدیل شود.

تأثیر شبکه‌های اجتماعی (اینترنتی)

بر کیفیت روابط اجتماعی

پوهنیار محمدجواد فروتن

ظهور و گسترش سریع شبکه‌های اجتماعی اینترنتی، یکی از تأثیرگذارترین تحولات ارتباطی عصر حاضر است. این پدیده، کیفیّت، کمیت و ماهیّت روابط اجتماعی را در سراسر جهان دگرگون ساخته است. در افغانستان، با گسترش دسترسی به اینترنت و تلفن‌های هوشمند، شبکه‌های اجتماعی در کمتر از دو دهه به بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی میلیون‌ها نفر، به‌ویژه جوانان، تبدیل شده‌اند. درک تأثیر این ابزار بر ساختارهای اجتماعی سنتی و روابط بین‌فردی در جامعه‌ای با شرایط ویژه افغانستان، مسئله‌ای درخور توجه است. این نوشتار می‌کوشد با مرور ادبیات و پژوهش‌های مرتبط در داخل افغانستان، تأثیرات مثبت و منفی شبکه‌های اجتماعی بر کیفیت روابط اجتماعی در این کشور را تحلیل کرده و زوایای این مسئله را روشن سازد. مقاله‌ی حاضر با هدف بررسی تأثیرات شبکه‌های اجتماعی اینترنتی بر کیفیت روابط اجتماعی در بافت جامعه افغانستان نگاشته شده است. با اتکا به روش تحقیق اسنادی و مرور ادبیات موجود، یافته‌ها نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی در افغانستان دارای تأثیرات دوسویه‌اند. از یک سو، با تسهیل ارتباطات فرامکانی، احیای پیوندهای خانوادگی و دوستانه، و ایجاد بستر برای گفتگوی اجتماعی و کنشگری مدنی، به غنای روابط اجتماعی کمک کرده‌اند. از

سوی دیگر، خطرات جدی مانند تضعیف روابط چهره‌به‌چهره، تشدید تعارضات قومی، انتشار اطلاعات نادرست بر کیفیت این روابط سایه افکنده است.

روابط اجتماعی، به عنوان شبکه‌ای از پیوندهای بین‌فردی که حس تعلق، حمایت و هویت جمعی را فراهم می‌آورد، سنگ بنای هر جامعه‌ای است. کیفیت این روابط، متأثر از عوامل گوناگونی از جمله ابزارهای ارتباطی است. با ورود شبکه‌های اجتماعی اینترنتی به افغانستان، این پرسش اساسی مطرح می‌شود که این فناوری‌های نوین ارتباطی، چه تأثیری بر عمق، گستره و معنای روابط اجتماعی شهروندان افغانستان گذاشته‌اند؟ آیا این ابزارها به تقویت پیوندهای اجتماعی، گفتگو و همبستگی کمک کرده‌اند، یا به سستی روابط چهره‌به‌چهره، انزوا و شکاف‌های اجتماعی دامن زده‌اند؟ مسئله، فهم این دوگانگی و بررسی آن در شرایط ویژه افغانستان است. فقدان مطالعات گسترده و نظام‌مند در این حوزه، ضرورت جمع‌آوری و تحلیل معلومات های پراکنده‌ی موجود را دوچندان می‌کند.

مفاهیم کلیدی

شبکه‌های اجتماعی اینترنتی، پلتفرم‌هایی بر پایه فناوری‌های هستند که ایجاد و تسهیل محتوا، تعامل و تشکیل جامعه‌های مجازی حول علایق مشترک را ممکن می‌سازند. در افغانستان، فیسبوک، توییتر (ایکس)، اینستاگرام، واتس‌اپ و تلگرام از پرکاربردترین شبکه‌ها هستند. بر اساس آمار، حدود ۱۰ تا ۱۲ میلیون نفر از جمعیت افغانستان از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند که سهم جوانان و شهرنشینان در آن بسیار چشمگیر است. کیفیت روابط اجتماعی نیز به معیارهایی مانند صمیمیت، اعتماد، حمایت متقابل، پایداری و رضایت از ارتباطات اشاره دارد. ورود شبکه‌های اجتماعی، این معیارها را در بستری جدید و اغلب فرامکانی به چالش کشیده و بازتعریف می‌کند.

تأثیرات مثبت شبکه‌های اجتماعی بر روابط اجتماعی در افغانستان

تسهیل ارتباطات و احیای پیوندها: شبکه‌های اجتماعی، مرزهای جغرافیایی را با سرعت و قدرت طی کرده و ارتباط با خانواده، دوستان و آشنایان پراکنده در داخل و خارج کشور را آسان کرده‌اند. این امر به ویژه برای جامعه مهاجر افغانستان حیاتی است و به حفظ پیوندهای عاطفی و فرهنگی کمک شایانی می‌کند. ایجاد فرصت‌های جدید برای تعامل و هم‌افزایی؛ این پلتفرم‌ها بستری برای شکل‌گیری گروه‌های اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و حرفه‌ای فراهم کرده‌اند. جوانان تحصیلکرده افغان در این فضاها به تبادل نظر، سازماندهی حرکت‌های اجتماعی و تولید محتوای فرهنگی پرداخته‌اند. تقویت گفتگوی عمومی و آگاهی‌بخشی؛ شبکه‌های اجتماعی به میدانی برای نقد، گفتگو و اشتراک اطلاعات تبدیل شده‌اند. این نقش به‌ویژه در هرنوع شرایط، به تقویت گفتمان عمومی و آگاهی شهروندان کمک کرده است.

تأثیرات منفی و چالش‌های پیش‌رو

تضعیف روابط عمیق و چهره‌به‌چهره: خطر جایگزینی ارتباطات عمیق و پایدار با تعاملات سطحی، مجازی و گذرا وجود دارد. برخی نظریه‌پردازان اشاره می‌کنند که رسانه‌های جدید، ارتباط بین مکان فیزیکی و اجتماعی را قطع کرده و مکان فیزیکی را برای روابط اجتماعی کمرنگ می کنند.

بازتولید و تشدید تعارضات: فضای مجازی افغانستان گاه به عرصه‌ای برای بازتولید گفتمان‌های قومی، مذهبی و سیاسی تفرقه‌انگیز تبدیل شده است.

ناشناسی نسبی و سرعت انتشار مطالب، می‌تواند به دامن‌زدن به تنش‌های اجتماعی و کاهش اعتماد بین‌گروهی منجر شود.

تهدیدهای روان‌شناختی و امنیتی: مواجهه با اطلاعات نادرست، صحنه‌های خشونت‌بار، و همچنین خطر سوءاستفاده و آزار آنلاین می‌تواند به سلامت روان کاربران و کیفیت روابط آنان آسیب بزند.

در نهایت، نتیجه می‌گیریم که، شبکه‌های اجتماعی در افغانستان همچون یک تیغ دو لبه عمل می‌کنند. از یک سو، به عنوان ابزاری توانمندساز، به حفظ و تقویت پیوندهای اجتماعی یاری رسانده‌اند. از سوی دیگر، همان بستر می‌تواند به عرصه‌ای برای تشدید شکاف‌ها و انتشار گفتمان‌های مخرب تبدیل شود. کیفیت روابط اجتماعی در این فضا، شدیداً به سواد رسانه‌ای کاربران، محتوای تولیدشده و سیاست‌های کلان حکومتی وابسته است. به نظر می‌رسد شبکه‌های اجتماعی در افغانستان در حال بازتعریف «اجتماع» هستند؛ اجتماعی که هم می‌تواند فراتر از مرزهای فیزیکی و سنتی گسترده شود و هم در معرض فروپاشی به درون گروه‌های هم‌فکر بسته قرار گیرد.

شبکه‌های اجتماعی اینترنتی تأثیری ژرف و چندوجهی بر کیفیت روابط اجتماعی در افغانستان گذاشته‌اند. این تأثیر را نمی‌توان به‌صورت مطلق مثبت یا منفی ارزیابی کرد، بلکه باید آن را در چارچوب پویایی‌های پیچیده اجتماعی، سیاسی و فرهنگی این کشور فهمید. یافته‌ها حاکی از آن است که این فناوری هم‌زمان هم به عنوان پلی برای اتصال، گفتگو و توانمندسازی عمل کرده و هم به عنوان دیواری برای جداسازی، تخریب و محدودیت. آینده کیفیت روابط اجتماعی در افغانستان تا حد زیادی به این بستگی دارد که کدام یک از این دو وجه غلبه یابد. برای حرکت به سمت پیامدهای مثبت، تقویت سواد رسانه‌ای در سطح ملی، حمایت از تولید محتوای سازنده، و اتخاذ سیاست‌های نظم‌بخشی هوشمندانه به جای محدودیت‌های کلیشه‌ای، ضروری به نظر می‌رسد. همچنین، انجام تحقیق‌های میدانی گسترده‌تر برای سنجش دقیق‌تر این تأثیرات بر گروه‌های مختلف سنی، جنسیتی و جغرافیایی پیشنهاد می‌شود. در نهایت، حفظ کیفیت روابط اجتماعی در عصر دیجیتال، نیازمند تعادل هوشمندانه بین بهره‌گیری از فرصت‌های ارتباطی نوین و پاسداری از ارزش‌های ارتباط عمیق و اصیل انسانی است.

د اسلامي امارت هوښيار اقتصادي ګام؛ له پاکستانه د اقتصادي تړاو کمول او د اقتصادي خپلواکۍ پر لور حرکت

صابر یوسفزی

اسلامي امارت د افغانستان د اقتصادي ثبات، ملي خپلواکۍ او د دوامدار پرمختګ په موخه يو داسې تاريخي او هوښيار ګام پورته کړی دی، چې د هېواد د سوداګريزو اړيکو د نوې پالیسي بنسټ ګڼل کېدای شي. دغه پرېکړه، چې د رياست‌الوزرا د اقتصادي چارو د محترم معاون ملا عبدالغني برادر صاحب له لوري د هېواد له مخکښو سوداګرو سره په وروستۍ غونډه کې مطرح شوه، د افغانستان د اقتصادي سياست په تاريخ کې د يو نوي فصل پيل ګڼل کېږي. برادر صاحب په خپله وينا کې څرګنده کړه چې افغان سوداګر بايد د پاکستان پر ځای د نورو بديلو لارو چارو او بازارونو موندلو ته جدي توجه وکړي، ځکه د پاکستان تګلاره تل د سياسي فشارونو او يو اړخيزو ګټو پر محور ولاړه ده. هغه زياته کړه چې پاکستان د افغانستان د حاصلاتو په مهمو وختونو کې د ترانزيت لارې بندوي، چې دا عمل د اقتصادي اخوت خلاف او د متقابل احترام له اصولو څخه لرې دی. دا څرګندونې په داسې وخت کې کېږي چې د پاکستان او افغانستان ترمنځ سوداګريزه تګلاره له کلونو راهيسې له نابرابرۍ او سياسي انحصار سره مخ ده.

د نړيوالو احصايوي راپورونو له مخې، افغانستان د ۲۰۱۹ کال په شاوخوا کې له پاکستان څخه نږدې ۱.۱ ميليارد ډالره واردات درلودل، خو صادرات يې يوازې ۵۴۰ ميليونه ډالره وو، چې دا د تجارتي توازن يو څرګند اختلال ښيي. په ۲۰۲۴ کال کې دا توپير لا هم زيات شوی، ځکه چې د دواړو هېوادونو ترمنځ د سوداګرۍ ارزښت شاوخوا ۱.۵۱ ميليارد ډالرو ته رسېږي، خو صادرات بيا هم د پام وړ نه دي لوړ شوي. دغه حالت نه يوازې د افغانستان د سوداګرۍ په زيان تمامېږي، بلکې د هېواد اقتصادي خپلواکي هم تر پوښتنې لاندې راولي. اسلامي امارت اوس پرېکړه کړې چې د دې انحصار د دوام مخه ونيسي او د ملي اقتصاد د ژغورنې لپاره له

پاکستان سره د سوداګرۍ اړیکې د توازن او تضمین پر بنسټ تنظیم کړي. د ملا برادر صاحب له خولې دا پیغام چې "هیوادونه هغه وخت اقتصادي پرمختګ ته رسېږي چې خپل تصمیمونه د نورو له فشار پرته ونیسي"، د افغانستان د اقتصادي پالیسیو یو نوی تعریف وړاندې کوي.

اسلامي امارت باور لري چې اقتصاد د ملت د عزت او خپلواکۍ ستنه ده، او کله چې دا ستنه پر خپل بنسټ ودرېږي، نو ملت له بهرنیو انحصارونو خلاصېږي. د همدې لپاره، دا پرېکړه نه یوازې یو اقتصادي ګام دی، بلکې یو ملي او ستراتیژیک تصمیم هم دی. له پاکستان سره د تړاو د کمولو موخه د اړیکو پرېکون نه دی، بلکې هدف دا دی چې افغانستان د متقابل احترام، عادلانه سوداګرۍ او متوازن همکاریو پر بنسټ نوې لارې خلاصې کړي. اسلامي امارت غواړي د سیمه‌ییزو هیوادونو لکه ایران، ازبکستان، ترکمنستان، چین او هند له بازارونو سره خپلې اړیکې پراخې کړي، څو د افغانستان د صادراتو تنوع زیاته او د وارداتو تکیه متوازنه شي. دغه تګلاره د سیمې د اقتصادي همکارۍ او د افغانستان د جغرافیایي موقعیت د موثر استعمال لپاره یو نوی فرصت ګڼل کېږي، ځکه افغانستان د آسیا د زړه په موقعیت کې پروت هیواد دی، چې کولای شي د منځنۍ او جنوبي آسیا د اقتصادونو ترمنځ د نښلونکي دهلیز رول ولوبوي.

د دې اقدام یو بل مهم اړخ دا دی چې اسلامي امارت غواړي د هیواد دننه تولید، زراعت او صنعت ته وده ورکړي. کله چې واردات د یوه هیواد له انحصار څخه ووځي، نو داخلي تولید ته زمینه برابرېږي. دا به د افغان پانګوالو اعتماد زیات کړي، د کار بازار ته پراختیا ورکړي، او د هیواد د مالي عوایدو کچه لوړه کړي. له اقتصادي اړخه، دا پرېکړه د متوازن ودې، د اسعارو د ثبات او د سوداګرۍ د پایښت له اصولو سره سمون لري. همدارنګه، دا تګلاره د ملي عزت یوه څرګنده بېلګه ده، ځکه افغانستان غواړي له دې وروسته خپل اقتصادي تصمیمونه د خپلې ګټې او خپلواک فکر پر بنسټ ونیسي، نه د نورو هیوادونو د فشار او مصلحت له مخې.

البته دا بدلون د یو شمېر تخنیکي او اداري ننګونو سره هم مل وي، خو اسلامي امارت د هغو د حل لپاره جدي ګامونه پورته کړي دي. د مثال په توګه، د شمالي او لوېدیځو لارو د ترانزیتي ټرونونو پراختیا، د هرات، حیرتان او آقینې بندرونو پرمختګ، د چابهار بندر سره د همکارۍ زیاتوالی، او د هوایي دهلیزونو د پراختیا پروګرامونه هغه عملي هڅې دي چې د بدیلو لارو د پلي کېدو لپاره بنسټیز رول لري. د دې تر څنګ، د اسلامي امارت له لوري د خصوصي سکتور ملاتړ، د سوداګرو د مالیاتي امتیازاتو رامنځته کول، او د صادراتي محصولاتو ته د اسانتیایي ټګلارو برابرول، هغه پالیسۍ دي چې د نوي اقتصادي دور د بریالیتوب لپاره زمینه برابروي.

په پایله کې، د اسلامي امارت دا هوښیار اقتصادي ګام د افغانستان د اقتصادي خپلواکۍ، ملي حاکمیت او د دوامداري ودې په لور یو مثبت، علمي او ملي تصمیم دی. دا پرېکړه د دې ښکارندویي کوي چې اسلامي امارت غواړي د هیواد اقتصادي راتلونکی د واقعیت، توازن او عدالت پر بنسټ جوړ کړي. له پاکستان سره د انحصار کمول د اړیکو د خرابولو معنا نه لري، بلکې دا یو پیغام دی چې افغانستان غواړي د متقابل احترام پر بنسټ، له هر هغه هیواد سره اړیکې ولري چې د افغان ملت مشروع اقتصادي حقونه ومني او د سیاسي فشار پر ځای د اقتصادي همکارۍ ژمنه وکړي. دا ګام د افغانستان د اقتصادي تاریخ یوه مهمه پاڼه ده، ځکه دا لومړی ځل دی چې د اسلامي امارت په مشرۍ، افغانستان خپل سوداګریز مسیر د خپل ملي عزت او اقتصادي خپلواکۍ له لیدلوري تعریفوي. که دا تګلاره په عمل بدله شي، نو افغانستان به نه یوازې له انحصار څخه خلاص شي، بلکې د سیمې د اقتصادي توازن یو مهم محور به هم وګرځي — یو خپلواک، باثباته او باعزته افغانستان چې د اسلامي امارت د روښانه اقتصادي لید پر بنسټ راتلونکی ته روان دی.

افغانستان به سوی اقتصاد تولید محور و خودکفاء

اعلم رحمانی

کشور عزیز ما افغانستان که سال‌هاست طعم وابستگی را چشیده و با اندک‌ترین تغییرات جهانی، به مشکل اقتصادی و بلندرفتن قیمت مواد مواجه گردیده است که همه این‌ها به دلیل نبود تولیدات زیاد و حمایت کم از سرمایه‌گذاری به وجود آمده بوده است.

اما در حال حاضر، وزارت صنعت و تجارت افغانستان با طرح‌ها و برنامه‌های مدون و آینده‌نگر، در تلاش برای آن است که افغانستان به سوی خودکفایی برود، به سوی راهی برود که دیگر وابسته نباشد.

خلاصی از وابستگی، در حقیقت خدمت بزرگی به مردمی است که اقتصادشان در حال رشد و ساختن است، مردمی که نیاز دارند تا از آنان حمایت صورت گیرد و حمایت شوند. بدون شک طرح‌های سازنده همان اهرم‌های حمایتی‌اند که مردم را به آینده‌ی متعالی امیدوار می‌سازند.

چنان که نورالدین عزیزی وزیر صنعت و تجارت کشور به تازگی در گفتگو با یکی از رسانه‌های داخلی گفته است که ۱۶۰ هزار جریب زمین برای متشبثین و بخش‌های صنعتی در نظر گرفته شده که از میان، در هر ولایت صد جریب زمین به صنعت اختصاص یافته است. وقتی چنین حمایتی از تاجران صورت گیرد، در کنار سرمایه‌گذاری، این مردم هستند که از مزایای آن مستفید شده، صاحب کار و زندگی می‌گردند.

به گفته نورالدین عزیزی، در سه ماه گذشته برای بیش از ۴۰۰ شرکت زمین توزیع شده و برای تشبثات کوچک نیز از ۱۰ تا ۵۰ جریب زمین در مناطق مرکزی پیش‌بینی

شده و این روند به‌زودی در ۲۰ ولایت کشور آغاز خواهد شد. این گفته‌ها از برنامه‌ها و پلان‌های دوامدار و توسعه‌ای سخن می‌زنند، همان مواردی را که مردم افغانستان به آن نیاز دارند. رفع بیکاری باعث می‌گردد که نیروی کار افغان در داخل کشور خود مصروف کار و خدمت شود.

آقای عزیز در بخش دیگر از صحبت‌های خود افزوده که مبارزه با فساد از اهداف اساسی امارت اسلامی می‌باشد. فسادی که روزگاری با نام افغانستان گره خورده بود و به صنعت و تجارت و خودکفایی افغانستان ضربه بزرگی زده بود، امروز خوشبختانه دیگر خبری از آن نیست و افغانستان آهسته آهسته به سوی پیشرفت گام برمی‌دارد، چنان‌که او تاکید کرده به همین منظور، تمامی پروسه‌های تجارتی و صنعتی به‌گونه تدریجی الکترونیکی و دیجیتالی می‌شود تا در این عرصه شفافیت بیشتر به‌وجود آید.

اظهارات وزیر صنعت و تجارت را می‌توان تلاش هدفمند برای چارچوب‌بندی مجدد نقش دولت در اقتصاد افغانستان تحلیل کرد. تلاش که از سطح شعار فرا رفته و به سمت اقدام‌های عملی، قابل سنجش و ساختارمند حرکت می‌کند. محور این رویکرد، عبور تدریجی از اقتصاد غیر منظم و مبتنی بر روابط فردی، به سوی یک نظام اقتصادی قانون محور، شفاف و تولیدگرا است.

نخست، تاکید بر مبارزه با فساد و دیجیتال‌سازی روندهای صنعتی و تجارتی، نشان‌دهنده درک درست از ریشه‌های ناکارآمدی اقتصادی در گذشته است. فساد اداری نه‌تنها منابع را هدر داده، بلکه اعتماد سرمایه‌گذاران و تاجران را نیز تضعیف کرده است. حرکت به سمت سیستم‌های الکترونیکی، به معنای کاهش نقش عامل انسانی در تصمیم‌گیری‌های حساس، تسریع روندها و ایجاد شفافیت قابل پیگیری است. این تحول، اگر به صورت پیوسته و سراسری عملی شود، می‌تواند یکی از مهم‌ترین بسترهای اصلاح ساختار اقتصادی کشور را فراهم سازد.

دوم، برنامه تخصیص زمین صنعتی را باید یک اقدام راهبردی تلقی کرد، نه صرفا یک برنامه اجرایی کوتاه مدت. اختصاص ۶۰ هزار جریب زمین برای فعالیت‌های صنعتی و متشبثین، آن هم با توزیع متوازن میان ولایات، حامل پیام روشن است: «توسعه اقتصادی نباید محدود به مراکز خاص باشد.» در نظر گرفتن هزار جریب زمین صنعتی برای هر ولایت، می‌تواند زمینه شکل‌گیری قطب‌های صنعتی محلی را فراهم کند. امری که هم به ایجاد اشتغال کمک می‌کند و هم از مهاجرت اقتصادی به شهرهای بزرگ جلوگیری خواهد کرد.

سوم، توجه هم‌زمان به شرکت‌های بزرگ و تشبثات کوچک است. تجربه کشورهای در حال توسعه نشان داده که که رشد پایدار اقتصادی، زمان محقق می‌شود که بنگاه‌های کوچک و متوسط در کنار پروژه‌های بزرگ صنعتی تقویت شوند. پیش‌بینی زمین‌های ۱۰ تا ۵۰ جریبی برای تشبثات کوچک، بیانگر درک این واقعیت است که اقتصاد پویا از پایین به بالا نیز شکل می‌گیرد، نه صرفا از طریق سرمایه‌گذاری کلان.

چهارم، آغاز عملی این روند در ۲۰ ولایت کشور، از منظر تحلیلی اهمیت ویژه دارد. زیرا نشان می‌دهد که برنامه‌ها وارد مرحله اجرا شده و در حد طرح باقی نمانده‌اند. این امر می‌تواند اعتماد بخش خصوصی را افزایش داده و سرمایه‌های راکد داخلی را سمت تولید و صنعت سوق دهد.

اما آن چه مهم است و باید به آن توجه شود، این است که همه مردم افغانستان باید صبر داشته باشند، یعنی صبر پیشه کنند، زیرا تحولات به زودی محقق نمی‌شوند و زمان می‌گیرند. پیشرفت و ترقی به یک دفعه‌ای ید بلکی به مرور زمان آهسته آهسته تحقق پیدا می‌کند.

چنان که خداوند متعال نیز گفته است که با صابران است، وظیفه ایمانی و میهنی ما است که صبر پیشه کنیم و به خاطر آبادسازی وطن خویش، گام‌های اساسی را برداریم و بدون شک این گام‌ها آهسته آهسته برداشته خواهند شد و جواب دادنشان نیز آهسته آهسته است.

فرهنگ دیرینه و ریشه‌دار مردم افغانستان

محمدصدیق میر

افغانستان کشوری است با پیشینهٔ فرهنگی که در قلب آسیا قرار دارد. پیشینه فرهنگی و موقعیت خوب جغرافیایی، آن را در یک وضعیت خوب و منحصر به فرد قرار داده که ما در آتیه به آن خواهیم پرداخت.

فرهنگ در یک تعریف مختصر و کوتاه مجموعهٔ از اعتقادات، رسم و رسوم و عنعنات و باورهای مردم تشکیل می‌دهد. افغانستان دارای ۳٤ ولایت بوده، که هر ساحه و محلات از خویش عنعنات و رسم و رسومات مخصوص خویش را دارا می‌باشند. به گونه مثال می‌توان از برگزاری جشن‌ها، تجلیل از روزهای خاص که مورد حرمت و احترام کافه انام می‌باشد، صنعت قالین بافی، طرز پوشش، صنایع دستی، آشپزی و پخت انواع غذاها، سرایش شعر، تصوف و عرفان، مراسم عروسی، مراسم تعزیه، میله‌ها، رشادت و جوان‌مردی، مهمان‌نوازی، جرات و دل‌آوری، حب وطن و دین‌مداری، چوب بازی، اتن ملی و حفظ ارزش‌های فرهنگی نام برد.

تردیدی وجود ندارد که کافه مردم عزیز افغانستان محبت و عشق وطن در دل‌هایشان شعله‌ور است. این را مردم ما در طول تاریخ از زمان اسکندر مقدونی گرفته تا چنگیز مغول و تیمور و در چند سده اخیر از جنگ‌های که فی‌مابین قوای افغان و انگلیس رخ داد، به اثبات رسانیده‌اند. از سوی دیگر ایمان‌داری و تدین این ملت سرافراز نیز در طول یک‌هزاروچهارصد سال گذشته ثبت اوراق زرین تاریخ شده است. بنابراین در محبت و وطن‌دوستی و ایمان‌داری باشندگان افغانستان هیچ نوع شک و شبهه‌ای وجود ندارد که ایشان هم وطن‌دوست و

هم خداپرست هستند. وطن‌خواهی جزء از فرهنگ اصیل و والای افغانی و ملی ما است. شکی وجود ندارد که این مردم با فرهنگ و مسلمان و متدین عشق وطن در قلب‌هایشان و در رگ و پی‌شان تنیده است.

هرگاه از باشندگان قندهار سخنی به میان آید، یاد مان از جوانمردی، رشادت و باتوری می‌آید. هرگاه از هرات باستانی سخنی در میان گذاشته شود، یادمان از فرهنگ و هنر و ادب تساهل و تسامح مردمان آن خطهٔ کهن می‌آید. هرگاه از کابل زیبا سخنی در میان گذاشته شود، از شیرینی زبان و لهجه خوش آن سامان در دل‌هایمان متبلور می‌شود. و هکذا سایر ولایت با فرهنگ و متمدن عزیز کشور.

بدین‌سان هر یک از ولایت کشور ما دارای فرهنگ و رسم و رواج‌های منحصر به خویش می‌باشند. قالین‌های ترکمنی که شهرت جهانی دارد. انواع غذاهایی که در مزار شریف طبخ می‌گردند از جمله قابلی کشمش‌دار که شهرت و طعم خاص خود را دارد. و طبخ قابلی جزء از فرهنگ مردمان صفحات شمال کشور را تشکیل می‌دهد. و پخت این نوع غذا پیشینه دراز در سمت شمال و مرکز دارد.

بازی ها، سرگرمی‌ها و سپورت هم در گوشه‌هایی از افغانستان مروج است که جزء جدایی‌ناپذیر از فرهنگ مردم منطقه گردیده است. بطور مثال در سمت مشرقی بازی کریکت به یک بازی عمومی و پرطرفدار تبدیل شده و علاقمندان فراوانی برای خویش در داخل و خارج از کشور پیدا نموده است و این بازی اکنون به جزئی از فرهنگ جدایی‌ناپذیر مردم ما مبدل شده است. در کابل و هرات و مزار فوتبال و والیبال به یک فرهنگ تبدیل گردیده و در بین نسل جوان و میانسال علاقمندان و طرفداران زیادی برای خویش کمایی نموده است.

معماری و ساخت خانقاه‌ها و عبادت‌گاه‌ها نیز جزئی از فرهنگ مردم ما را تشکیل می‌دهد. مرکز و حوزه غرب از نگاه معماری و ساخت عمارت‌های که با خشت و گل بنا می‌یابند شهره است. ما در این حوزه فرهنگی تمدنی همین اکنون ابنیه تاریخی داریم که تاریخ ساخت و بنای آن برمی‌گردد به عصر غوری‌ها، آل کرت و اخلاف تیمور. که به دست و مهارت معماران با سلیقه و با هنر منطقه ساخته شده‌اند. بناهای تاریخی و با ارزش قدیمی که در کابل، غزنی و هرات و غور و بلخ و سایر نقاط افغانستان ساخته شده و قدمت آن‌ها الی یک‌هزار سال می‌رسد و امروزه به بهترین ساحات و مناطق دیدنی و گردشگری نه تنها برای ملت افغانستان بلکه برای سیاحان گردشگران خارجی نیز مبدل شده است. داشته‌های غنی و پربار مردم ما زمینه بنای سازه‌های با ارزش و دیدنی را فراهم نموده و آن بخشی از فرهنگ معماری مردم گردیده است.

از سوی دیگر سرایش شعر و سرود از جمله لندی هم جزئی از فرهنگ بومی ما را تشکیل که در زمان‌های خاص بخاطر وطن‌دوستی توسط شعرا سروده شده است به این سروده که عشق وطن در آن جولان می‌زند توجه بفرمایید:

نه فرهاد یم نه مجنون نه آدم خان یم
نه یوسف نه فتح خان نه مومن خان یم
زه مین دچا د تورو سترگو نه یم
خو په خپل وطن مین یمه افغان یم
د سرو شوندو تورو زلفو عاشق نه یم
زه عاشق نی په خپل گران افغانستان یم

فرهنگ متنوع و غنی که از نیاکان ما به نسل امروزی به ودیعه گذاشته شده، قابل تحسین و حراست است. حفاظت و مراقبت از فرهنگ غنی مردم افغانستان نه تنها که وظیفه مسئولان مملکتی محسوب می‌شود، بلکه وظیفه کافه مردم مسلمان و فرهنگی افغانستان است، تا این فرهنگ عزیز، ریشه‌دار و اصیل کشور روزبه‌روز تقویت شده و محفوظ بماند. ان شاء الله.

نگاهی دینی، اخلاقی و اجتماعی به وظایف انسان مؤمن در برابر دیگران در روزهای سرد

احمدالله جلالی

مقدمه

فصل سرما برای بسیاری از انسان‌ها، نشانه‌ای از زیبایی طبیعت، بارش رحمت الهی و فرصتی برای تأمل در عظمت آفرینش است. اما برای گروهی دیگر، یادآور رنج، فقر، بی‌پناهی و نیاز است. در چنین شرایطی، وظیفه‌ی اخلاقی و دینی هر انسان به‌ویژه مؤمن، در قبال همنوعان خود پررنگ‌تر می‌شود. دین اسلام که بر پایه‌ی رحمت، همدلی و تعاون استوار است، در همه‌ی ایام سال، ولی به‌ویژه در فصول دشوار، پیروانش را به یاری رساندن به نیازمندان فرا می‌خواند. از این‌رو، بررسی «مسئولیت مؤمنین در فصل سرما» نه‌تنها یک بحث دینی بلکه یک ضرورت انسانی و اجتماعی است.

مفهوم مسئولیت از دیدگاه اسلام

مسئولیت در اسلام مفهومی جامع دارد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«كُلُّ نَفْسٍ بِما كَسَبَتْ رَهِينَةٌ» (مدثر: ۳۸)

هر انسانی در گرو اعمال خویش است.

این آیه نشان می‌دهد که انسان مؤمن نه‌تنها در برابر اعمال شخصی خود بلکه در برابر جامعه و دیگر انسان‌ها نیز مسئول است. رسول اکرم ﷺ فرمودند :«كُلُّكُم راعٍ وَ كُلُّكُم مَسؤولٌ عَن رَعِيَّتِه»

"همه‌ی شما نگهبانید و همه نسبت به زیردستان خویش مسئولید." در این نگاه، مؤمن صرفاً ناظر و دعاگو نیست، بلکه عامل و یاری‌گر است؛ یعنی مسئولیت دینی او در قبال هم‌نوعان، در عمل تجلی می‌یابد.

مسئولیت مؤمن در فصل سرما از دیدگاه اخلاق اسلامی

اخلاق اسلامی بر پایه‌ی رحمت و احسان استوار است. در فصل سرما، زمانی که برخی از انسان‌ها از امکانات رفاهی محروم‌اند، مؤمن نمی‌تواند بی‌تفاوت باشد. از منظر اخلاقی، بی‌تفاوتی در برابر رنج دیگران، نشانه‌ی ضعف ایمان و زنگار قلب است.

سرما می‌تواند مصداقی از همان نیاز باشد؛ کسی که لباس یا سرپناه کافی ندارد، گرسنگی را نه با شکم بلکه با جان خود تجربه می‌کند. پس مؤمن وظیفه دارد در چنین شرایطی یاری‌گر باشد.

جلوه‌های اجتماعی مسئولیت در فصل سرما

مسئولیت اجتماعی مؤمن تنها در انفاق مالی خلاصه نمی‌شود. این مسئولیت طیف گسترده‌ای دارد که شامل موارد زیر است:

کمک مادی

تهیه‌ی لباس گرم، پتو، وسایل گرمایشی و مواد غذایی برای

خانواده‌های نیازمند، نخستین گام است. قرآن می‌فرماید: «لَن تَنالُوا البِرَّ حتّی تُنفِقوا مِمّا تُحِبّون» (آل‌عمران: ۹۲) هرگز به نیکی نخواهید رسید مگر آن‌که از آنچه دوست دارید انفاق کنید. یعنی انفاقِ حقیقی در جایی معنا دارد که فرد، بخشی از دارایی محبوب خود را برای رضای خدا در راه دیگران هزینه کند.

کمک معنوی و عاطفی

بسیاری از افراد در فصل سرما تنها از فقر مادی رنج نمی‌برند، بلکه احساس تنهایی و طردشدگی دارند. مؤمن باید در کنار کمک مالی، با دلجویی و احترام، کرامت انسانی آنان را حفظ کند. قرآن کریم بارها بر نیکی به یتیمان، بی‌پناهان و سالخوردگان تأکید می‌کند.

مسئولیت جمعی

در جامعه‌ی اسلامی، نهادها و گروه‌های مردمی باید برای مقابله با آسیب‌های فصل سرما سازمان‌دهی شوند. تشکیل گروه‌های خیریه، بانک لباس، پویش‌های مردمی برای توزیع بخاری و پتو در مناطق محروم، از مصادیق مسئولیت جمعی مؤمنین است.

مسئولیت زیست‌محیطی مؤمن در فصل سرما

مسئولیت مؤمن تنها نسبت به انسان‌ها نیست، بلکه شامل طبیعت نیز می‌شود. قرآن، انسان را خلیفه‌ی خدا در زمین معرفی کرده است. این مقام، مسئولیت حفظ و بهسازی محیط‌زیست را نیز شامل می‌شود. در فصل سرما، مصرف بی‌رویه‌ی سوخت، قطع بی‌رویه‌ی درختان و آلودگی هوا، مصداق‌های تضییع نعمت الهی است. مؤمن موظف است با رعایت اعتدال در مصرف انرژی و حفظ محیط‌زیست، از نعمات الهی پاسداری کند.

نگاه عرفانی به مسئولیت مؤمن در فصل سرما

در نگاه عارفانه، فصل سرما نمادی از سختی و آزمایش است. مؤمن باید در این ایام، صبر، انفاق و گذشت را بیاموزد. مولانا می‌گوید:

این جهان کوه است و فعل ما ندا
سوی ما آید نداها را صدا

یعنی هر عمل نیک یا بدی که انجام می‌دهیم، بازتابش به خود ما بازمی‌گردد. در کمک به دیگران، مؤمن نه‌تنها نیاز دیگری را رفع می‌کند، بلکه روح خود را گرم و جان خویش را از سرمای غفلت می‌رهاند.

مسئولیت حاکمان و نهادهای دینی

در جامعه اسلامی، مسئولیت تنها بر دوش افراد نیست. حاکمان و نهادهای دینی باید شرایطی فراهم کنند که در آن، هیچ فردی از سرما آسیب نبیند. در قرآن، یکی از نشانه‌های جامعه صالح، تأمین نیاز محرومان است :«وَ فِی أَموالِهِم حَقٌّ لِلسّائِلِ وَ المَحرُومِ» (ذاریات: ۱۹) در اموال آنان حقی است برای نیازمند و محروم.

این آیه نه از تفضل بلکه از حق سخن می‌گوید؛ یعنی کمک به نیازمند، بخشش نیست بلکه ادای حق الهی است.

مسئولیت فرهنگی مؤمنان

در کنار اقدامات مادی، مؤمنین باید فرهنگ یاری و همدلی را در جامعه نهادینه کنند. استفاده از رسانه‌ها، منابر، شبکه‌های اجتماعی و مدارس برای ترویج مهربانی، بخشش و حمایت از نیازمندان در فصل سرما، نوعی جهاد فرهنگی است. اگر فرهنگ کمک و همدلی در جامعه نهادینه شود، هیچ‌کس در سرمای زمستان تنها نمی‌ماند.

نتیجه‌گیری

فصل سرما یادآور مسئولیت‌های بزرگ مؤمنان است؛ مسئولیت‌هایی که از دل ایمان به خدا و محبت به خلق برمی‌خیزد. مؤمن واقعی کسی است که گرمای ایمانش نه‌تنها خانه‌ی خود بلکه دل دیگران را نیز گرم کند. در روزهای سرد زمستان، هر لباسی که بر تن نیازمندی پوشانده می‌شود، لباسی از ایمان بر جان انسان است؛ هر بخاری که برای خانه‌ای فقیر روشن می‌شود، نوری از امید در دل جامعه می‌افروزد.

اسلام دینی است که ایمان را در عمل معنا می‌کند. پس هر مؤمن باید در فصل سرما، در حد توان خویش—چه با مال، چه با وقت و چه با محبت—نقشی در کاهش رنج دیگران ایفا کند. آنگاه است که جامعه از سرمای بی‌مهری به گرمای ایمان و انسانیت خواهد رسید.

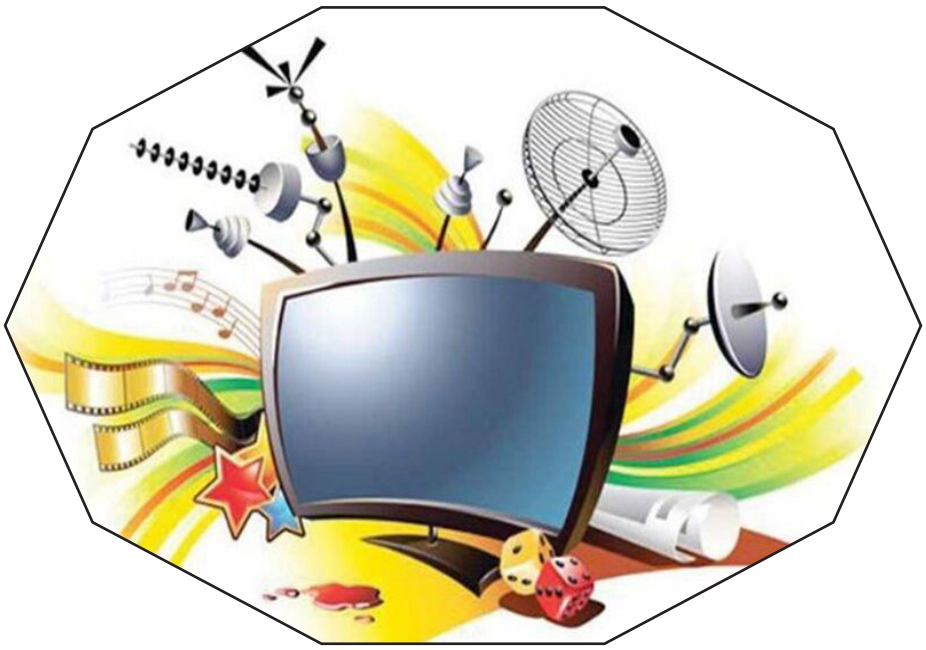

جنگ روانی علیه افغانستان و فریب رسانه‌های مغرض!

عاصمه «پروانی»

جنگ روانی یکی از خاموش‌ترین و خطرناک‌ترین جنگ‌هایی است که امروز علیه افغانستان به کار گرفته می‌شود و رسانه‌های غربی در صفِ مقدمِ این جنگ قرار دارند. زیرا آنان سال‌ها از افغانستان به عنوان میدان نفوذ خود استفاده می‌کردند و نمی‌توانند بپذیرند که امروز این کشور به استقلال واقعی رسیده و زیر بیرق نظام اسلامی اداره می‌شود.

رسانه‌های غربی همیشه ادعا می‌کنند که حامی آزادی بیان و حقیقت هستند، اما در عمل، چیزی که نشر می‌کنند فقط روایت سیاسی و منافع خودشان است. و وقتی موضوع به افغانستان می‌رسد، این رسانه‌ها حقیقت را کنار می‌گذارند و در عوض، تصویری تیره و نادرست از وضعیت کشور می‌سازند. نمونهٔ آن را در گذشته و حال با چشم و سر دیده‌ایم؛ چنان‌که در گذشته نام طالب را در اذهان مردم «دهشت‌گر، تروریزم، قاتل و...» معرفی کرده بودند.

حالا هدف آنان این است که مردم افغانستان را دلسرد و بی‌اعتماد بسازند تا چنین فکر کنند که آیندهٔ روشنی برای کشور وجود ندارد و نظام اسلامی نمی‌تواند پیشرفت کند.

این رسانه‌ها هیچ‌گاه امنیتی را که امروز در سراسر افغانستان برقرار است نشان نمی‌دهند؛ هیچ‌گاه از عدالت اسلامی که تطبیق می‌شود، سخن نمی‌گویند؛ هیچ‌گاه رشد تجارت، بازشدن بندرها و گسترش روابط اقتصادی منطقه را برجسته نمی‌کنند. بلکه همیشه به دنبال پیداکردن کوچک‌ترین مشکل هستند تا آن را بزرگ ساخته و به شکل یک بحران جهانی معرفی کنند.

چنان‌که این روزها -رسانه‌های مذکور- گروهی دیگر را به عنوان مخالف طالبان در افغانستان معرفی کرده و از فعالیت‌های خیالی آنان، افواه و دروغ‌ها را نشر می‌کند. آنان از این می‌ترسند که جهان، افغانستان را به عنوان الگوی استقلال از غرب بشناسد و ببیند که یک کشور

مسلمان می‌تواند بدون کمک غرب و بدون پیروی از سیاست‌های آنان، روی پای خود ایستاده و پیش برود.

غرب در بیست سال گذشته میلیاردها دالر در افغانستان مصرف کرد؛ بیش از ۲۶ هزار رسانه برای جنگ فکری فعالیت داشتند، اما حقیقت مانند آفتاب روشن شد و همه فهمیدند «طالب؛ یعنی خادم». و حالا، وقتی نظام اسلامی در چند روز قدرت را به دست گرفت و کشور را از جنگ به ثبات رساند، این شکست بزرگ برای غرب بسیار سنگین تمام شد. به همین دلیل، رسانه‌های‌شان را مستقیم و غیرمستقیم به کار انداختند تا هر روز تصویر بد بسازند، هر روز وحشت نشان دهند، هر روز دروغ‌های نو خلق کنند و ذهن مردم را از واقعیت دور سازند. آنان خوب می‌دانند که اگر مردم افغانستان به کشور و به نظام خود باور داشته باشند، دیگر هیچ قدرت خارجی نمی‌تواند بر این خاک مسلط شود؛ پس تلاش می‌کنند باور مردم را بشکنند.

جنگ روانی مثل باروتی است که آهسته می‌سوزد و کسی صدای آن را نمی‌شنود، اما اثرش بسیار زیاد است. دشمن می‌خواهد جوانان افغان را دلسرد کند تا احساس کنند کشورشان عقب‌مانده است؛ دشمن می‌خواهد خانواده‌ها را نگران سازد تا خیال کنند آینده نامعلوم است؛ دشمن می‌خواهد افغانستان را در چشمان جهان بی‌ثبات و ناامن جلوه دهد، در حالی که حقیقت امروز کاملاً برعکس است.

امنیتی که اکنون وجود دارد، در چهل سال گذشته سابقه نداشته است و این پیشرفت بزرگ برای کشورهای غربی غیرقابل قبول است.

یکی از راه‌های مهم جنگ روانی این است که رسانه‌ها با تصاویر قدیمی و خبرهای دروغ، ذهن مردم را مشوّش می‌سازند. مثلاً یک حادثهٔ کوچک را به عنوان نشانهٔ سقوط نظام معرفی می‌کنند، یا یک مشکل طبیعی را بحران بزرگ جلوه می‌دهند تا مردم فکر کنند کشور در حال فروپاشی است؛ در حالی که واقعیت روزمرهٔ مردم چیز دیگری است. امروز مردم با آرامی کار می‌کنند، تجارت روان است، سفرها امن هستند و شهرها از جنگ و ترس خالی شده‌اند. اما رسانه‌های غربی هرگز این واقعیت‌ها را نشر نمی‌کنند، زیرا حقیقت برای آنان خطرناک است و مانع اهداف سیاسی‌شان می‌شود.

هدف اصلی تمامی این تلاش‌ها ضربه‌زدن به هویت اسلامی افغانستان است. آنان نمی‌خواهند یک نظام اسلامی باقدرت و ثبات در جهان معرفی شود، زیرا می‌دانند این الگو برای امت مسلمان الهام‌بخش خواهد بود و ممکن است کشورهای دیگر نیز به استقلال فکری و سیاسی برسند و از سلطهٔ غرب بیرون شوند. از همین‌رو تلاش می‌کنند افغانستان را کشوری منزوی و ضعیف جلوه دهند.

اما حقیقت این است که امروز روابط اقتصادی و سیاسی افغانستان با کشورهای منطقه هر روز بیشتر می‌شود، و این خود نشان می‌دهد که تبلیغات غرب بر واقعیت تأثیری ندارند.

مسئولیت مردم افغانستان در برابر این جنگِ خاموش، بسیار مهم است. مردم باید حقیقت را از دروغ بشناسند؛ باید بدانند که رسانه‌های غربی خیرخواه آنان نیستند، بلکه در خدمت سیاست‌های حکومت‌های‌شان هستند. جوانان باید آگاه باشند و فریب این تبلیغات را نخورند تا بتوانند در کنار نظام خود ایستاده بمانند. هیچ دشمنی نمی‌تواند کشوری را شکست بدهد که مردمش متحد هستند و با بصیرت به آینده نگاه می‌کنند، و هیچ جنگ روانی نمی‌تواند ملتی را از پا درآورد که اعتمادبه‌نفس دارد و حقیقت را خود از نزدیک لمس کرده است.

افغانستان امروز در مسیر ثبات و پیشرفت قرار گرفته است. هرچند مشکلاتی وجود دارد، اما تلاش‌ها و دست‌آوردها قابل انکار نیستند. دشمنان با رسانه‌های‌شان تلاش می‌کنند این دست‌آوردها را پنهان کنند، اما ملت آگاه می‌داند که آیندهٔ کشور به دست خود مردم ساخته می‌شود و این ملت امروز بیش از هر زمان دیگر بیدار است و فریب این بازی‌های رسانه‌ای را نخواهد خورد.

نقش سلطنت تیموریان، سلجوقیان، غزنویان و غوریان در تمدن هرات

(بخش دوم)

ترتیب کننده : پوهنیار عبدالرسول «رحیمیار»

احوال سلجوقیان معاصر و مدرسه نظامیهً پای حصا ر

مدارس نظامیه در سراسر امپراتوری سلجوقیان در دوران سلطنت پادشاهان کبیر آلب ارسلان و ملکشاه سلجوقی گشوده شده است. در این مراکز آموزشی دانشجویانی از چهار گوشهً جهان بخصوص قارهً اروپا سرگرم تحصیل بودند. از آنجایی که در گشایش این مدارس نظام الملک و صدراعظم وقت نیز مساعی قابل توجه مبذول داشته بود به همین نامیدند. مرام اصلی امپراتوری سلجوقی از تاسیس این مدارس نظامیه توجه به سایر علوم و فنون و رشد علمی و فرهنگی ملل و اقوام ساکن بود. این مفکوره موجب شد تا برای تقویت این مدارس بودجه کلانی در نظر گرفته شود. بسیار از مدارس نظامیه در دوران امپراتوری بزرگ سلجوقی در محدوده خراسان زمین چون : نیشاپور، بلخ، هرات، مرو قرار داشت و بعدها وسعت آن تا منطقهً عراق عجم ری، اصفهان، موصل و بصره وسعت پیدا کرد. در این مدارس علاوه بر دروس فرهنگی بر تدریس ریاضیات؛ علوم فنون دیگر نیز همت گماشته شد. در این مدارس زبانهای فارسی ؛ ترکی و عربی تدریس می‌شد. شاگردان از محضر استادان مضامین تاریخ، ستاره‌شناسی، منطق، فلسفه، جغرافیه، فزیک، کیمیا و زبان و ادبیات را می‌آموختند. همچنان آداب معاشرت تدریس می‌شد تا شاگردان از ویژگی های شخصیتی و اخلاق هم برخوردار باشند. « سلجوقی ص۵ »

ملا محمد سلجوقی که از دست نادر افشار جان بدر برد . و با چهار فرزندش در طوس زندگی می‌کرد و احمد شاه درانی که افسر نادر افشار بود

از شهرت این خانواده سلجوق آگاهی داشت و زمانیکه به قدرت رسید؛ ملامحمد سلجوقی را مقام شیخ الاسلام تفویض کرد و هم زمان به این فکر افتاد که ملا محمد را به هرات بفرستد؛ وی با فامیل منور خود هرات را دوباره احیای فرهنگی بدهد از مسجد و مدرسهً پای حصار تا فخرالمدارس در کنار قلعه اختیارالدین یا پای حصار امروزی مدرسهً یا خانقاهی را بنا نهاد شاگردانی که از آسیا میانه ؛ هند و ایران برای کسب علم و دانش به همین مدرسه می‌آمدند؛ به همین منوال سلجوقیان می‌باشند در همین «ملا محمد میرزای سلجوقی» پای حصار که نواده‌های شیخ الاسم مدرسه مصروف تدریس بودند این مدرسه بعدها به دارالنصرهَ مسما شد. علمای بزرگ از این مدارس فراغت حاصل کردند و از جمله علامه صلاح الدین سلجوقی را می‌توان نام برد. « سلجوقی ص٦ »

هنر وران سلجوقی

هرات در دوره غزنویان و سپس سلجوقیان به یکی از مراکز مهم ادبی تبدیل شد. از دوران سلجوقیان آثار زیاد هنری و نقاشی باقی مانده است که این آثار را نه تنها در رواق‌های مسجد جامع هرات و زیارت‌ها می-یابیم بلکه کار هنری آنها بیرون از مرز امروزه در موسسات و مراکز پژوهشی علمی در ایران نیز بدست آمده است بعضی از این آثار در موزیم یا کتابخانهً مجلس شورای ایران محفوظ می‌باشد. که از جمله می‌توانیم تذهیب و خطاطی؛ رساله موسیقی درمانی به تالیف خواجه عبدالرحمن بن سیف الدین غزنوی یکی از دانشمندان و سخنوران قرن دهم‌اندکی پس از عصر تیموریان نوشته شده است. با ذکر مقامات و شعبه‌های موسیقی در ابتدای سده پیشین با چاپ سنگی در ایران به نشر رسیده است. «سلجوقی ص۸ »

هرات در عصر غوریان

مسجد جامع هرات یکی از باشکوه‌ترین بناهای تاریخی اسلامی افغانستان بشمار می‌رود که اکثر مؤرخین و سیاحان شرق و غرب در باره واقعات هرات سخن گفتند یا از آن دیار دیدن نمودند؛ بطور اجمالی یا تفصیلی از مسجد جامع هرات نیز؛ یادآوری نمودند و از معماری و تزئینات آنرا ستوده‌اند. مسجد جامع هرات در زمان سلطنت شهاب الدین ابوالفتح بن محمد بن سلم منسوب بود؛ ساخته شد. گرچه در روایات آمده است که قبلاً به شکل چوبی وجود داشت و بعد سوخته بود. «پژواک، ۱۳٤٥ص۲۰٤ »

تمدن هرات در عصر غوریان (قرن ۱۲ و ۱۳ میلادی) یکی از دوره‌های مهم و تاثیرگذار در تاریخ این منطقه به شمار می‌آید. غوریان، که از نژاد ایرانی‌تبار بودند، در ابتدا به عنوان یک قبیله محلی در منطقه غور (در غرب افغانستان کنونی) ظهور کردند و سپس به تدریج بر بخش‌های وسیعی از ایران، افغانستان و هند تسلط یافتند.

همان‌طوریکه سلاطین غور در خطه غور، قلاع و قصور مستحکم و حصین با تزیینات گوناگون بر پا نموده-اند، در هرات و دیگر متصرفات خویش به نوبه خود از خود آثار جاویدان به جا گذاشته‌اند. «پژواک، ۱۳٤٥ص۲۱۲ » سر زمین غور که بین هرات و غزنه واقع است در

سال ۲۲۵ هجری با انضمام سایر مناطق آن حدود تا کابل در تصرف یعقوب لیث صفار افتاد (۲۵٤-۲٦٥ هجری) که در آن زمان از عباسیان حکمران نیمروز بود در آمد. « اعظمی سنگسری ص ۱ »

ویژگی‌های تمدن هرات در عصر غوریان

۱. رشد فرهنگی و علمی: هرات در این دوره به عنوان یکی از مراکز مهم علمی و فرهنگی شناخته می‌شد. دانشمندان، شاعران و فیلسوفان بسیاری در این شهر فعالیت می‌کردند. دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی در هرات رونق داشتند و تبادل فرهنگی با دیگر مناطق نیز افزایش یافت.

۲. معماری و هنر: دوران غوریان شاهد شکوفایی معماری اسلامی بود. بناهای تاریخی، مساجد و مدارس با طراحی‌های زیبا و تزئینات هنری ساخته شدند. مناره‌ها، مقبره‌ها و سایر بناهای مذهبی از جمله آثار برجسته این دوره هستند.

۳. اقتصاد و تجارت: هرات به دلیل موقعیت جغرافیایی خود به عنوان یک مرکز تجاری مهم در مسیر جاده ابریشم شناخته می‌شد. این شهر به دلیل تبادل کالاها و فرهنگ‌ها با دیگر نقاط آسیا، رونق اقتصادی خوبی داشت.

٤. تنوع مذهبی: در این دوره، هرات به عنوان یک شهر چند فرهنگی و چند مذهبی شناخته می‌شد. مسلمانان، زرتشتیان و سایر اقلیت‌ها در کنار هم زندگی می‌کردند و این تنوع فرهنگی به غنای اجتماعی شهر افزوده بود.

۵. فروپاشی غوریان: با ظهور مغول‌ها و حملات آنها به منطقه، غوریان قدرت خود را از دست دادند و هرات تحت سلطه مغول‌ها قرار گرفت. این تغییرات سیاسی تأثیرات عمیقی بر روند توسعه فرهنگی و اقتصادی هرات داشت.

بنا بر قول روضه الصفا سلطان غیاث‌الدین غوری مسجد جامع هرات صرف وعظ و تدریس امام فخرالدین رازی در سال ۵۹۷ هجری بنا کرده بود و همچنان امامت مسجد مذکور در زمان سلطان مخصوص به مذهب شافیعه بود. «پژواک، ۱۳٤۵ص۲۰۹ »

به طور کلی، عصر غوریان در هرات نمایانگر یک دوره طلایی در تاریخ این شهر است که تأثیرات آن تا سال-ها بعد نیز ادامه داشت.

نتیجه‌گیری:

امیر تیمور، که در سال ۷۳٦ هجری در کاش به دنیا

آمد، یکی از شخصیت‌های برجسته تاریخ است که با فتح‌های خود در خراسان و دیگر مناطق، تأثیر عمیقی بر تاریخ منطقه گذاشت. او با ایجاد یک امپراتوری گسترده و تأسیس سلسله تیموریان، هرات را به عنوان مرکز علمی و فرهنگی مهمی تبدیل کرد. پسران او، به ویژه شاهرخ، نقش کلیدی در گسترش فرهنگ و هنر در این دوره داشتند و هرات را به یک مرکز علمی و اداری تبدیل کردند.

هرات در دوران تیموریان به عنوان قلب خراسان و دروازه آسیا شناخته می‌شد و با وجود خرابی‌های ناشی از جنگ‌ها، تحت حمایت حامیان علم و فرهنگ دوباره شکوفا شد. مناره‌های هرات و دیگر بناهای تاریخی این دوره، نمایانگر هنر و معماری اسلامی هستند. همچنین، در عصر غزنویان نیز هرات تحت تأثیر فرهنگ و ادبیات قرار داشت و به عنوان یک مرکز مهم علمی شناخته می‌شد.

هرات در عصر غزنویان، به ویژه تحت رهبری سلطان محمود غزنوی، شاهد پیشرفت‌های قابل توجهی در حوزه علوم و ادبیات بود. این دوره نه تنها به شکوفایی شعر دری کمک کرد، بلکه به دلیل حمایت‌های سلطان از علما و محققان، زمینه‌ساز تولیدات علمی و فرهنگی گسترده‌ای گردید به طور کلی، دوران غزنویان نمایانگر دوره‌های طلایی در تاریخ هرات است که تأثیرات آن تا سال‌ها بعد ادامه یافت..

احوال سلجوقیان و تأسیس مدارس نظامیه در دوران سلطنت پادشاهان آلب ارسلان و ملکشاه سلجوقی می-پردازد. این مدارس به منظور رشد علمی و فرهنگی ملل و اقوام مختلف تأسیس شدند مدارس نظامیه در مناطق مختلف خراسان از جمله نیشاپور، بلخ، هرات و مرو تأسیس شدند و دروس متنوعی از جمله ریاضیات، فلسفه و زبان‌های مختلف تدریس می‌شد. همچنین، هنر و فرهنگ در این دوره شکوفا گردید و هرات به عنوان یکی از مراکز مهم ادبی و هنری شناخته شد. آثار هنری و ادبی زیادی از این دوران باقی مانده که نشان‌دهندهٔ غنای فرهنگی آن زمان است.

عصر غوریان (قرن ۱۲ و ۱۳ میلادی) دوره‌ای مهم و تأثیرگذار در تاریخ هرات به شمار می‌آید که در آن این شهر به مرکز فرهنگی، علمی و تجاری تبدیل شد. غوریان با تأسیس بناهای تاریخی و مذهبی، از جمله مسجد جامع هرات، شکوفایی معماری اسلامی را رقم زدند و آثار جاودانی از خود به جا گذاشتند. این دوره همچنین شاهد رشد فرهنگی و علمی بود، به طوری که هرات به مکانی برای تجمع دانشمندان، شاعران و فیلسوفان تبدیل شد. موقعیت جغرافیایی هرات به عنوان یک مرکز تجاری در جاده ابریشم، رونق اقتصادی شهر را افزایش داد و تنوع مذهبی و فرهنگی در آن به غنای اجتماعی شهر افزود. اما با ظهور مغول‌ها و حملات آن‌ها، غوریان قدرت خود را از دست دادند و این تغییرات تأثیرات عمیقی بر روند توسعه فرهنگی و اقتصادی هرات داشت. به طور کلی، عصر غوریان نمایانگر یک دوره طلایی در تاریخ هرات است که تأثیرات آن تا سال‌ها بعد ادامه داشت.

فهرست منابع

۱. غبار، میر غلام محمد، افغانستان در مسیر تاریخ، ۱۳٦۸ ، انتشارات، مرکز نشر انقلاب؛
۲. مصباح زاده، سید محمد باقر، تاریخ سیاسی مختصر افغانستان، ۱۳۸۸ ، انتشارات، مرکز پژوهشهای آفتاب؛
۳. طبیبی، دکتر عبدالحکیم، تاریخ هرات در عصر تیموریان، ۱۳٦۸ ، انتشارات، هیرمند تهران؛
٤. خلیلی، خلیل الله، سلطنت غزنویان، انتشارات، امیری؛
٥. سلجوقی، نصرالدین، سلجوقیان معاصر هرات؛
٦. پژواک، عتیق الله، غوریان،۱۳٤٥ ، انتشارات، مطبع دولتی؛
۷. پرویز، عباس،دیالمه و غزنویان، ۱۳۳٦ ،انتشارات، علمی؛
۸. افضلی، خلیل الله، مقاله تحت عنوان، هرات نگین؛
۹. اعظمی سنگسری، چراغعلی، چند سکه از غوریان.

افتخاری دیگر برای کشور،

سبک مینیاتوری بهزاد به نام افغانستان در یونسکو ثبت شد

مصطفی احمدی

روز سه شنبه ۱۸ قوس ۱۴۰۴ ه شمسی، یونسکو اعلام کرد که هنر مینیاتوری استاد کمال‌الدین بهزاد، پس از طی مراحل فنی و فرهنگی، به گونه رسمی در فهرست میراث فرهنگی ناملموس سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) ثبت شده است.

سبک هنر مینیاتور بهزاد به عنوان یکی از برجسته‌ترین میراث‌های هنری مکتب هرات، به نام افغانستان در فهرست نمایندگی میراث فرهنگی ناملموس یونسکو ثبت جهانی شد. این روند در بیستمین نشست کمیته بین‌دولتی حفاظت از میراث فرهنگی ناملموس یونسکو که از ۸ تا ۱۳ دسامبر سال ۲۰۲۵ در دهلی‌نو مرکز کشور هندوستان برگزار شد، انجام گرفته است.

یونسکو روز ۹ دسامبر اعلام کرد که این هنر، پس از طی روند ارزیابی، به‌طور رسمی در فهرست میراث ناملموس بشریت به نام افغانستان جای گرفته است.

طبق اطلاعات نشر شده، پیشنهاد ثبت مینیاتوری هرات حدود یکسال پیش به یونسکو فرستاده شده بود و سرانجام با تأیید کمیته حافظت از میراث فرهنگی یونسکو، این هنر کهن هرات در جمع دارایی‌های فرهنگی جهان قرار گرفت و یک بار

دیگر هرات صاحب افتخار گردید.
این دستاورد یک افتخاری بزرگ برای مردم افغانستان است، مردمی که هنر را قدر می کنند و بدون شک مینیاتوری هرات یکی از ارزشمندترین هنرهای تاریخی است و ثبت آن در یونسکو، جهان را دوباره متوجه جایگاه فرهنگی کشور عزیز ما افغانستان ساخته است.
مکتب مینیاتوری هرات با سابقه بیش از شش قرن، یکی از مشهورترین سبک‌های نقاشی در جهان شرق است که استاد کمال‌الدین بهزاد آن را به اوج رسانده‌است و سبک خاصی را در مینیاتور ایجاد کرده است که آن را سبک مینیاتور بهزاد می گویند و شهره است.

یونسکو با انتشار اعلامیه‌ای در سایتش، هدف از ثبت این هنر را حفظ یکی از اصیل‌ترین جلوه‌های فرهنگی افغانستان عنوان کرده و تأکید کرده

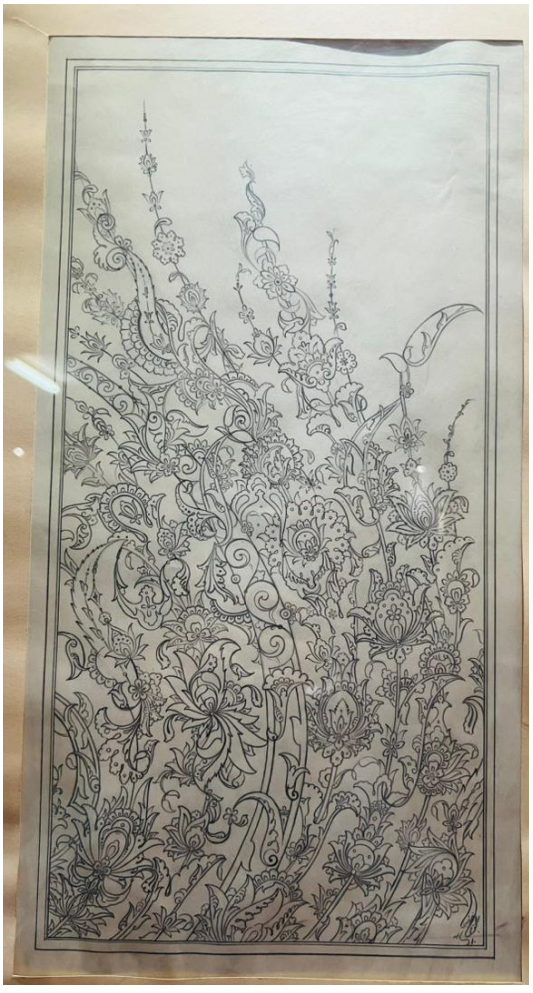

است که این هنر باید به نسل‌های بعدی منتقل شود.
براساس اطلاعات نشر شده، با ثبت هنر مینیاتوری بهزاد، بیست‌وسومین عنصر میراث ناملموس افغانستان در یونسکو لقب گرفت.
هنر مینیاتوری در هرات از زمان استاد کمال‌الدین بهزاد یکی از بزرگ‌ترین و مشهورترین هنرمندان تاریخ جهان اسلام و ستون اصلی مکتب مینیاتوری هرات بجا مانده است.
پس از تلاش‌های هنرمندان و جایگاه هنر در افغانستان، سبک مینیاتوری بهزاد به نام افغانستان در یونسکو ثبت شد.
کشور عزیز و باستانی ما افغانستان در طول تاریخ اش از چنان شاهکارها و افتخاراتی برخودار است که در جهان نمونه ندارند که مکتب بهزاد و سبک هنری بهزاد یکی از این ارزش‌های بی‌نظیر است. هنری که در شرق و غرب شناخته شده و رنسانس شرق به آن گره خورده است.
سبک هنر مینیاتور بهزاد به عنوان یکی از برجسته‌ترین میراث‌های هنری در جهان شناخته می‌شود که اینک به نام افغانستان در فهرست نمایندگی میراث فرهنگی غیرملموس نهاد فرهنگی یونسکو ثبت جهانی شد.
ثبت این ارزش هنری افغانستان در یونسکو پس از تلاش‌های هنرمندان و مسئولان صورت گرفته است که در بیستمین نشست کمیته بین‌دولتی حفاظت از میراث فرهنگی ناملموس یونسکو به نام کشور استاد کمال الدین بهزاد یعنی افغانستان ثبت یونسکو گردید.
یونسکو در سایتش خبر از ثبت این هنر به نام افغانستان داده است، هنری که بعد از طی مراحل قانونی و ارائه مدارک و شواهد، ثبت شده است.
مکتب هرات و سبک هنری مینیاتوری بهزاد که از غرب افغانستان برخواسته، در دل هر افغان و در گوشه و کنار افغانستان طرفداران و هنرمندان مخصوص به خود را دارد.

مسلمان پیشاهنگ انقلاب و پیام آور زندگی

حاجی حافظ

فرد مسلمان در طول تاریخ سرچشمهٔ انقلاب‌های صالح و طلیعهٔ صبح سعادت در جهان بوده است، او همواره پیشاهنگ انقلاب و پیام‌آور زندگی بوده و خواهد بود، طنین اذان او همان بانگ آزادی است که در دل شب سکوت مرگبار جهان می‌پیچد و نشاط و زندگی را به این جهان خسته و خواب‌آلود باز می‌گرداند، با این اذان اعلان می‌دارد که عمر شب سیاه و تاریک به پایان رسیده و صبح صادق خواهد دمید، طنین همین بانگ پرقدرت بود که چهارده قرن پیش از کوه «ابوقیس» جهان را از خواب عمیق پانصد ساله بیدار کرد و نسیم زندگی را در کالبد بی‌جان انسانیت و جهان در حال مرگ دمید، امروز نیز این اذان ضامن بیداری انسان و زنده ساختن وجدان بشری است.

اقبال در بیتی از آن می‌گوید:

«به درستی نمی‌دانم که منبع این صبح که هر روز جهان را روشن می‌کند کجاست، اما به یقین می‌دانم، بامدادی که شبستان وجود بشری را به لرزه در می‌آورد، از اذان بندهٔ مؤمن نشأت می‌گیرد.»

قدرت وتوانای مرد مؤمن

علامه محمد اقبال معتقد است که قدرت و نیروی خارق‌العاده و اعجازانگیز مرد مؤمن، از رسالت و ایمان او و فنا شدن در ارادهٔ الله سرچشمه می‌گیرد. از اینجاست که مرد مؤمن، شمشیر برندهٔ الهی قرار می‌گیرد که هیچ مانعی چون کوه و دریا، یارای مقاومت در برابر او را ندارد.

اقبال در قصیده‌ای که در قرطبه سروده است می‌گوید:

دست مرد مؤمن شمشیر برندهٔ الهی است و در هرجا غالب و کار آفرین، مشکل‌گشا و کارساز است، جسم بندهٔ مؤمن خاکی ولی سرشت او نوری است که به صفات مولای خویش متصف است، «خاکی و نوری نهاد بندهٔ مولا صفات» دل بی‌نیاز او از هر دو جهان مستغنی است.

جای دیگر در بیتی می‌گوید:

مرد حق از کس نگیرد رنگ و بو
مرد حق از حق پذیرد رنگ و بو
هر زمان اندر تنش جانی دگر
هر زمان او را چو حق شانی دگر

اقبال از زبان فرماندهٔ بزرگ سپاه اسلام، فاتح اندلس، طارق بن زیاد

هنگامی که برای پیروزی یاران عرب خود به پیشگاه خدا نیایش می‌کند و می‌گوید:

«خدایا این مجاهدان بندگان فرمانبردارت که کسی جز خودت آنها را نمی‌شناسد تصمیم گرفته‌اند جهان را

فتح کنند و زیر سلطهٔ خود درآورند، دریاها از قدرت آنان می‌شکافد، زمین از صلابت آنان پاره پاره می‌گردد، کوه‌ها از هیبت آنان درهم می‌خزند، اینها از روزی که تو را شناخته‌اند لذت معرفت تو آنان را از دو جهان بی‌نیاز ساخته است و هدفی جز شهادت ندارند، زیرا مقصود و مطلوب مؤمن شهادت است نه مال غنیمت و کشور گشایی، خدایا تو صحرانشینان عرب را نعمت منحصر به‌فردی عنایت فرموده‌ای و آنان را به برکت دعوت محمدی صلی الله علیه وسلم در «خبر» «نظر» و «اذان سحر» از معاصرانشان ممتاز کرده‌ای، سوز درون و نجات انسان مظلوم، از دیر باز، آرزوی جهانیان بوده است، اینک دنیای گمشدهٔ خود را در قلوب جریحه‌دار و جگرهای سوختهٔ آنان پیدا کرده است.»

شاعر یک قدم جلوتر رفته می‌گوید:

«آیا می‌توان نیروی بازوی مؤمن را تخمین زد؟ مؤمن می‌تواند با یک نگاه و یک دعا اوضاع و سرنوشت‌ها را تغییر دهد.»

کسانی که صفحات تاریخ را مطالعه کرده‌اند، این گفتهٔ اقبال را به خوبی تصدیق می‌کنند، زیرا مسلمانان در قرن اول، دشت و صحرا، کوه و دریا را پشت سر گذاشتند و بی‌باکانه از موانع عبور کردند، داستان‌های قهرمانی رادمردانی همچون سعد بن ابی وقاص، خالد بن ولید، مثنی بن حارثه شیبانی، عقبه بن نافع، محمد بن قاسم ثقفی، موسی بن نصیر و طارق بن زیاد بر صدق گفتار اقبال گواه است.

امت جهانی

محمد اقبال معتقد است که مسلمان حقیقتی است جهانی که از مرز محدود وطن و ملیت و حتی از چهارچوب زمان و مکان فراتر است و همانند طبیعت بشری و انسانیت فراگیر در زمان و مکان وسیع‌تری قرار دارد، مساحت زمانی او مساحت تاریخ اسلامی و مساحت مکانی او مساحت جهان پهناور اسلام است.

سرودهٔ زیبا و دل‌نشین اقبال

می نگنجد مسلم اندر مرز و بوم
در دل او یاوه گردد شام و روم
قلب ما از هند و روم و شام نیست
مرز و بوم او بجز اسلام نیست

به نظر اقبال، مسلمان از مفاخر نژادی و عصبیت‌های قومی آب و خاک‌پرستی بالاتر است.

او می‌گوید:

قوم تو از رنگ و خون بالاتر است
قیمت یک اسودش صد احمر است
اصل ملت در وطن دیدن که چه
باد و آب و گل پرستیدن که چه
نیست از روم و عرب پیوند ما
نیست پابند نسب پیوند ما

به نظر او مسلمان در هر عصر ساقي اهل ذوق و در هر مکان شهسوار میدان شوق است و شمشیرش در هر معرکه پیروز است و همهٔ سرزمین خدا وطن اوست.

می‌گوید: وقتی طارق بن زیاد به جزیره‌ای در سرزمین اندلس فرود آمد، دستور داد که کشتی‌ها را بسوزانند، برخی از لشکریانش لب به اعتراض گشوده گفتند، این کار تو از نگاه عقل درست نیست. تو همه راه‌ها را به روی ما بستی، اکنون چگونه به دیار خود بازگردیم؟ طارق دست به شمشیر برد و گفت: ما به فکر بازگشت نیستیم، این جا خواهیم ماند زیرا همهٔ سرزمین خدا وطن ماست، فرقی بین عجم و عرب، شرق و غرب وجود ندارد.

در این مورد اقبال چه زیبا سروده:

طارق چو بر کنارهٔ اندلس سفینه سوخت
گفتند کار تو به نگاه خرد خطاست
دوریم از سواد وطن، باز چون رسیم
ترک سبب ز روی شریعت کجا رواست
خندید و دست به شمشیر برد و گفت
هر مُلک ملک ماست که ملک خدای ماست

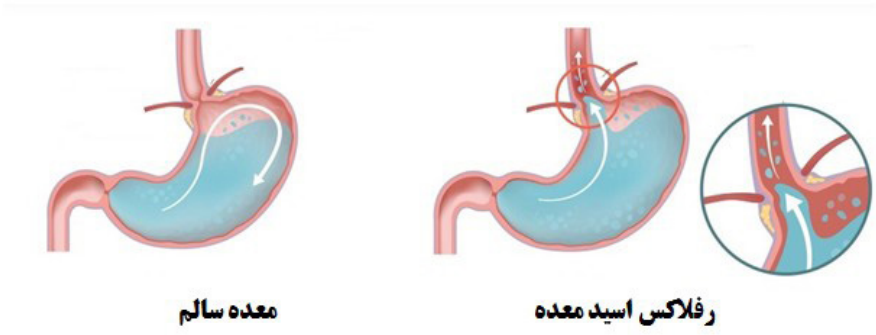

رفلاکس اسید معده

معده سالم

چه غذاهایی برای رفلاکس معده مفیدند و چه غذاهایی مضر؟

گردآوری: طلحه رحمانی

به برگشت اسید معده به مری، «رفلاکس معده به مری» (GERD) گفته می‌شود که حالت مزمن رفلاکس اسیدی معده است. این بیماری زمانی اتفاق می‌افتد که اسفنکتر sphincter، عضله‌ی تنگ‌کننده تحتانی مری ضعیف شده یا آسیب جدی دیده باشد. وظیفه‌ی اسفنکتر تحتانی مری جلوگیری از حرکتِ رو به بالای غذا از معده به مری است. علائم رفلاکس به‌دلیلِ افزایش یا کاهش غیرطبیعی حجم اسید معده ظاهر می‌شوند و با اصلاح عادات غذایی، تا حدی قابل‌کنترل خواهند بود.

علائم رفلاکس معده چیست؟

شایع‌ترین علامت، «سوزش سر دل» یا ترش کردن (سوزش در قفسه سینه) پس از غذا خوردن است.

علائم دیگر عبارتند از:

سرفه خشک مزمن؛

گلودرد؛

نفخ و آروغ؛

دشواری در بلع؛

احساس گیر کردن چیزی در گلو؛

بازگشت طعم ترش یا تلخ به دهان (استفراغ اسیدی).

چنانچه به‌علت حجم بالای اسید معده از علائم رفلاکس رنج می‌برید، در این مطلب به شما درباره غذاهای تاثیرگذار بر آن، معلوماتی را ارائه خواهیم کرد.

چه غذاهایی برای رفلاکس معده خوب است؟

۱. سبزیجات

سبزیجات به‌علت چربی و قند پایین، موجب کاهش اسید معده می‌شوند. لوبیا سبز، کلم، مارچوبه، سبزیجاتِ دارای برگ‌های سبز خوراکی، کچالو و خیار از جمله سبزیجات مفید برای رفلاکس معده به‌شمار می‌روند.

۲. زنجبیل

زنجبیل دارای خواص ضدالتهابی است و در درمان ترش کردن معده و سایر مشکلات گوارشی مؤثر است. می‌توانید ریشه‌ی زنجبیل را به‌صورت رنده‌شده یا خُردشده به انواع غذاها و نوشیدنی‌ها اضافه کنید.

۳. میوه‌ها (غیر از مرکبات)

میوه‌هایی همچون هندوانه، خربزه،، کیله و سیب در مقایسه با مرکبات، کمتر موجب رفلاکس معده می‌شوند.

٤. گوشت کم‌چرب

گوشت‌های کم‌چرب مانند گوشت مرغ، ماهی و غذاهای دریایی دارای چربی خیلی کمی هستند و موجب کاهش علائم رفلاکس معده می‌شوند. انواع مختلف گوشت کم‌چرب را می‌توانید به‌صورت کبابی یا آب‌پَز تهیه و مصرف کنید.

۵. سفیده‌ی تخم‌مرغ

سفیده‌ی تخم‌مرغ در کاهش علائم رفلاکس معده مؤثر است، درحالی‌که زرده به‌علت مقادیر بالای چربی، موجب تشدید علائم رفلاکس معده می‌شود.

برخی مواد غذایی خاص، علائم رفلاکس معده را تشدید می‌کنند. البته، مواد غذایی محرک علائم رفلاکس معده در همه‌ی مبتلایان یکسان نیستند و هیچ رژیم غذایی خاصی وجود ندارد که تمامی علائم را یک‌جا برطرف کند. برای اینکه بدانید علائم‌تان دقیقا در پیِ مصرف کدام مواد غذایی تشدید می‌شوند، تمامی غذاهایی را که در طول روز می‌خورید، با ذکر ساعت یادداشت کنید و تک‌تک علائمی را که پس از هر وعده‌ی غذایی به سراغ‌تان می‌آیند نیز بنویسید. یادداشت این موارد را حداقل تا یک هفته ادامه بدهید. اگر رژیم غذایی متغیری دارید، باید مدت طولانی‌تری غذاهای مصرفی و علائم‌تان را بادقت ثبت کنید. با این راهکار می‌توانید غذاها یا نوشیدنی‌هایی که علائم‌تان را تشدید می‌کنند، راحت‌تر بشناسید.

شایع‌ترین مواد غذایی تحریک‌کننده‌ی علائم رفلاکس معده

درمورد اینکه دقیقا کدام مواد غذایی موجب تشدید علائم رفلاکس معده می‌شوند اتفاق نظر وجود ندارد، اما برخی مواد غذایی خاص در اغلب افراد موجب تحریک علائم می‌شوند که عبارتند از:

۱. غذاهای پُرچرب

غذاهای سرخ‌شده و پرچرب به‌علت اینکه اسفنکتر تحتانی مری را به حالت استراحت درمی‌آورند، موجب می‌شوند که مقدار بیشتری اسید معده به مری وارد شود. این قبیل غذاها همچنین زمان تخلیه‌ی معده را به تعویق می‌اندازند. بنابراین با کاهش مقدار چربی مصرفی روزانه می‌توانید یکی از علت‌های تشدید علائم رفلاکس معده را تا حدودی مهار کنید.

کچالوی سرخ‌شده و حلقه‌های پیاز پفکی‌شده در روغن؛

لبنیات پرچرب مانند کره، شیر، پنیر یا خامه‌ای که چربی آنها گرفته نشده باشد؛

قسمت‌های پرچرب گوشت گاو یا بره، به‌ویژه اگر سرخ شده باشند؛

سس‌ها و چاشنی‌های خامه‌ای و پرچرب.

۲. بادنجان سرخ و مرکبات

میوه‌ها و سبزیجات از جایگاه ویژه‌ای در رژیم غذایی سالم برخوردارند، اما برخی میوه‌های خاص، به‌ویژه میوه‌های اسیدی، موجب ایجاد یا تشدید علائم رفلاکس معده می‌شوند. چنانچه از رفلاکس معده مزمن رنج می‌برید، باید مصرف مواد غذایی زیر را در رژیم غذایی روزانه‌ی خود محدود کنید:

پرتقال؛

انواع لیموها؛

آناناس؛

سس بادنجان یا خوراک‌ها و غذاهای حاوی سس گوجه مانند پیتزا؛

غذاهای تند و پُرادویه و نیز غذاهای پر از سیر و پیاز، در اغلب افراد موجب ترش کردن می‌شوند. البته این مواد غذایی در همه‌ی افراد به تحریک علائم رفلاکس معده نمی‌انجامند، اما چنانچه به مصرف زیادِ سیر و پیاز یا غذاهای پرادویه عادت دارید، حتما دقت کنید که آیا پس از مصرف چنین غذاهایی به علائم رفلاکس معده دچار می‌شوید یا خیر. نعناع یا فرآورده‌هایِ با طعم نعناع، مانند آدامس و خوشبوکننده‌های دهان، در برخی افراد موجب تشدید علائم رفلاکس معده می‌شود.

آیا شیر برای رفلاکس معده خوب است؟

این یک باور غلط رایج است. شیر ممکن است در ابتدا احساس تسکین موقتی ایجاد کند، اما چربی موجود در شیر (مخصوصاً شیر پرچرب) می‌تواند تولید اسید را تحریک کرده و علائم را بدتر کند. مصرف شیر کم‌چرب یا بدون چربی در حد اعتدال ممکن است مشکلی ایجاد نکند.

منبع: سایت چطور

بخش ۱۳

سلسله خاطرات میدان جهاد

شب‌های سنگر

حافظ محمد داود مهاجر

شب‌های سنگر، لحظات تلخ و شیرین زیادی دارد. شب‌هایی متفاوت از شب‌های دیگر؛ شب‌هایی که هر کدامش در دل خود دنیایی سخن دارد. شب‌هایی که از حمله بر دشمن و کوبیدن لانه‌های وحشت و ستم سخن می‌گوید و شب‌هایی که زیر بمب و آتش صبح می‌شود؛ شب‌هایی که مجاهدان بین ترس و امید، مرگ و زندگی دست و پا می‌زنند؛ شب‌هایی خیلی سخت!

با چندی از دوستان مجاهدم در ناحیه‌ای از مناطق مفتوحه، داخل اتاقی، قرارگاهی موقت ایجاد کرده بودیم. برای ما مخابره (بی‌سیم) آوردند و بنده می‌باید به مانند دیگر مجاهدانِ مخابره‌دار، اسمی برای شبکه و مخابره‌ام انتخاب می‌کردم؛ ناخودآگاه در ذهنم آمد که نام مخابرهٔ اتاق ما «شهید» باشد.

شهادت نامی آشنا برای مجاهدان است و هرلحظه از حیات‌شان با شهادت انس دارد. این نام اما یک شبانه‌روزِ کامل نگذشت که با مسمی مطابق آمد و بیشتر دوستان اتاق ما در همان‌شب شهید شدند.

عصر همان روز، با هم خوش‌وبش می‌کردیم؛ سرود می‌خواندیم و مذاکره‌ای از شهادت به میان آمد. هر یکی از مجاهدان به‌گونه‌ای نسبت

به شهادت اظهار شوق و خورسندی می‌کرد و بعضی از دوستان، حتی وصیت می‌کردند. فضای مجلس ما خودبه‌خود به طرف شهادت رفته بود و آکنده از عشق به آخرت بود؛ گویا خداوند متعال می‌خواست تا قبل از بردن‌شان، نیت‌های‌شان را نیز مجدّدا پاک و خالص بگرداند.

یادم است، ما همه برای رفتن به منطقهٔ عملیاتی در (.....) آمادگی می‌گرفتیم و در عین حال، بیشتر برادران، عمامه‌های سیاه‌رنگی به سرهای خود بسته بودند و خود را با سنت پیامبر اکرم، صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، تشابه بیشتری داده بودند.

شگفتا! الله متعال این‌ها را چقدر دوست داشت! قبل از بردن‌شان نزد خود، از هر نظر آن‌ها را تصفیه کرده بود!

منطقهٔ مذکور، هر از گاهی مورد تهاجم هوایی آمریکائیان قرار می‌گرفت. چند روزی بود که اوضاع منطقه، بحرانی و نگران‌کننده به‌نظر می‌رسید؛ زیرا هواپیماهای بدون‌سرنشین، درحال گشت‌زنی بر فراز آن بودند.

شب فرا رسید و امکان حملهٔ دشمن بیشتر شده بود. با خود گفتم، بروم و به دو سنگری که در نزدیکی ما قرار دارند نگاهی بیندازم و کم‌ازکم اگر اتفاقی افتاد، بدانم دوروبَر ما کی‌ها هستند. مجاهدانی تازه‌آموزش‌دیده، از معسکر آمده بودند و طبق روال گذشتهٔ معسکر، می‌خواستند شب را در سنگرها (جهت آموزش خودشان) سپری کنند و این جزو برنامه‌های آنان بود. اما در دلم واهمه بود که اوضاع، نسبت به شب‌های دیگر، کمی وخیم است و این نوآموزهای تازه‌وارد به میدان جنگ، بدون تجربه‌ای عملی، نمی‌توانند سدّی کافی باشند و دوما اینکه همه‌شان مسلح نبودند؛ غیر از دو یا سه نفر شان؛ پس چاره ندیدم غیر از اینکه جای آنها را با جای خود و همراهانم بدل نمایم.

با دوستانم داخل سنگرها جابجا شدیم. لحظاتی نگذشته بود که دشمن بر ناحیه‌ای، شروع به بمبار کرد و نیروهای دشمن پیاده شدند. چند تا از برادران مجاهد، با پرتاب چند عدد توغندی/موشک بر محل نیروهای پیادهٔ آمریکائیان، آن‌ها را از ادامهٔ عملیات بر آن منطقه منصرف کردند. اما چیزی نه گذشته بود که صدای مهیب بم، در کنار آن دو مجاهد فرود آمد. دراین لحظه، صدای آن مجاهد در مخابره بلند شد که الحمدلله هنوز زنده‌ایم و بم از ما خطا خورده است؛ لحظه‌ای نگذشت که موشک بعدی بر محل اختفای آنان اصابت کرد و تا ابد صدای نازنین‌شان خاموش گشت. انالله وانا‌الیه راجعون.

بمبار شدیدی شروع شد. صدای بم‌ها از هر طرف، پردهٔ گوش‌ها را می‌خراشید و تکه‌های سنگ و خاک بر سر ما پراکنده می‌شد. یکی از برادران مسئول، در مخابره صدایم زد: «شهید، انصاری، شهید!» جواب دادم: «بله، می‌شنوم» فرمودند: «مواظب باش! از جهت شما نیروهای پیادهٔ دشمن وارد منطقه نشوند!».

بعد از دستور امیر، لازم دیدم تا دیدبانی خود را محکم‌تر کنیم؛ لذا به ذهنم رسید تا با یکی از برادران، از سنگر بیرون شویم (چونکه دیدبانی از داخل سنگری که زیر زمین درست کرده بودیم، مشکل بود) و از نزدیکیِ سنگر، از جایی که همهٔ منطقه را زیر دیدبانی داشته باشد، اوضاع را تحت نظر بگیریم.

به مولوی یوسف (از همراهان داخل سنگرم) گفتم، من که بیرون رفتم، شما نیز بدون وقفه‌ای به‌دنبالم بیایید. او نیز قبول کرد. من حرکت کردم -لازم به یادآوری است، از محلی که من در نظر داشتم آنجا بروم، تا سنگر ما، یک دیواری

امتداد دشت-؛ با بیرون شدن از سنگر، خود را زود به پناهِ دیوار گرفتم و با حالتی خمیده خمیده در حال حرکت بودم که مولوی یوسف نیز به دنبالم آمد.

صدای شلیک‌شدن موشک یا چیزی دیگر به گوشم نشست؛ نمی‌دانم چه بود؛ اما امداد الهی بود؛ در همان حال، خود را به زمین انداختم که انفجار شد!

انفجاری قوی در چند متری ما رخ داد. یک لحظه فکر کردم شهید شدم؛ چشم‌هایم غلاف گرفتند؛ چیزی نمی‌دیدم؛ پردهٔ قرمزرنگی بر چشمانم سایه افکنده بود و صدای ترکیدن بم‌های کوچک (مثلیکه خوشه‌ای بود) در اطرافم به گوش می رسید.

بعد از کمی انتظار، دوباره بینائیم برگشت و همه جا را می‌توانستم ببینم، فهمیدم هنوز زنده‌ام؛ دستی به بدنم کشیدم، دیدم -الحمدلله- سالم هستم، فقط روی یکی از پاهایم احساس رطوبت کردم، متوجه شدم که زخمی شده‌ام؛ اما چون به طرف مولوی یوسف نگاه کردم، به زمین افتاده بود؛ پایش از قسمت ران کاملا قطع شده بود و رمق‌های آخرش را می‌کشید. الله تعالی رحمتش کند.

یکی از مسئولین در مخابره صداداد:«شهید! چه خبر است؟ جواب بده؟» گفتم:«من زخمی‌ام و مثلی‌که یکی از برادران نیز شهید شده است» و بعدش مخابره را خاموش کردم؛ چون هیلی‌کوپترها بر فراز ما گشت می‌زدند و محل کشف مخابره برای آنها ممکن بود. بعدش خود را به آخر همین دیوار، جایی که برای دیدبانی درنظر گرفته بودم، رساندم و منتظر شدم چه وقت نیروهای پیاده می‌آیند.

تا صبح این بمباری‌ها ادامه داشت. سپیدهٔ صبح بالا آمد و دشمنان تا حدی از تهاجم خود کاستند و هواپیماها آهسته آهسته داشتند عقب‌نشینی می‌کردند. دوستان سنگری که من از آن بیرون شدم، درحال نقل وحرکت بودند. چند تایی آمدند و ما نماز صبح را با تیمم و بدنی خون‌آلود در اتاقی به‌جا آوردیم. چون احتمال حملهٔ بعدی و غافل‌گیرشدن بود؛ لذا نتوانستیم وضو بگیریم و یا لباسی عوض کنیم و چانته‌ها را از سینه بیرون کنیم.

مولوی یوسف را که شهید شده بود با خود گرفتیم و در اتاقی گذاشتیم. خواستم بروم و برادران سنگر دوم را هشداری بدهم تا از سنگر خود بیرون نیایند و همانجا نماز را با تیمم ادا کنند؛ اما هرچه نزدیکتر می‌شدم سنگری به چشم نمی‌خورد مگر زمینی هموار!

سبحان الله! من فکر می‌کردم که حتما این بم را در نزدیکی ما دونفر انداخته اند و فقط مولوی یوسف شهید شده است؛ اما چون خوب نزدیک شدم، موهای بلند یکی از برادران مجاهدم، که از سنگر بیرون زده بود، چشمانم را خیره کرد! و تمامی دوستانم در سنگر دوم، مورد اصابت مستقیم موشک قرار گرفته و به آسمان‌ها پر کشیده بودند. انا لله وانا الیه راجعون

بله، آنان سنگر را انتخاب کردند و در سنگر خوابیدند و با سنگر در روز قیامت حشر خواهند شد، ان شاءالله.

هر کسی که از الله تعالی شهادت را با صدق دل بخواهد، خداوند او را به منزل شهدا خواهد رساند.

اللهم ارزقنا شهادة فی سبیلک، خالصة لوجهک، مقبلا غیرَ مدبرٍ یارب العالمین

افغانانو کې د ټولنیز اخلاقي مسؤلیت نشتون

احمدګل ریان

د ټولنیز اخلاقي مسؤلیت احساس د یوې متمدنې او بااحساسه ټولنې نښه ده. په کومه ټولنه کې چې د ذمه داری احساس وي؛ ژوند پکې ډیر هوسا او له خوښۍ ډک وي او چې په کومه ټولنه کې د دې مسؤلیت قحطي وي نو د ژوند هره برخه کې یو ډول عذاب او تنګسیا محسوسیږي او د ژوندە مزه یې پیکه کړې وي، څنګه چې په اسلامي ارشاداتو کې د اخلاقي مسؤلیت د پر ځای کولو پایله او نتیجه ښودل شوی دی.

په تأسف سره به ووایو چې زمونږ ټولنه کې د ټولنیز اخلاقي مسؤلیت نشتون احساسیږي، بلکې غوڅ اکثریت داسې دی چې حتی د دې مسؤلیت په اړه هیڅ نه پوهیږي او آن تعریف یې نه ورته معلومیږي، د ټولنیز مسؤلیت احساس او بیا عمل پرې کول خورا لرې خبره ده، بلکې بده لا دا چې د دې مسؤلیت خلاف کارونه ځینو ته ښه عمل ښکاري او په انجامولو یې لاس پورې کوي.

هسې خو په دې اړه ډیر څه تر سترګو کیږي، تازه دا موضوع تر یوې واقعې رایاده شوه. د دې موضوع له لیکلو تقریباً یوه اونۍ وړاندې د کابل په احمدشاه بابا مینه/ارزان قیمت کې یو باردار موټر د سرک پر سر خاورې او تیږې توی کړې وې، بیا مې یوه ورځ د بګرامیو ولسوالۍ دروازې ته مخامخ سرک باندې دغسې شګې او کرش شوې تیږې ولیدلې، بله ورځ د همدې ولسوالۍ د دروازې لویدیځ لور ته د لوی سرک پر سر بیخي ډېرې تیږې پرتې وې. دا عمل قصدي معلومیده، چې هر چا کړی، بد یې کړي و، خو هیڅوک نه و چې دا شګې او تیږې له سرک یوې څنډې ته کړي او تر نن ورځې پورې د سرک پر سر پرتې دي.

د خلکو دې وضعیت ته چې ګورو، معلومیږي چې نه ماشومانو ته په کورونو او د کلي یا ښار مساجدو کې او نه هم په تعلیمي ادارو کې د ټولنیز اخلاقي چلند په اړه زده کړه ورکول کیږي او د مربوطه ادارو له خوا هم په دې اړه د عامه پوهاوي کوم پروګرامونه نشته.

اصلاً باید دا حس له ماشومتوبه پیدا شي، خو دا چې پلارګنۍ هم د دې احساس له فقدان سره مخ دي، نو ماشومان به ضرور ټولنیز اخلاق او مسؤلیت نه پېژني.

د دې لپاره ضروري ده چې په تعلیمي او کلیوالي/ښاري کچه تربیتي پروګرامونه ترتیب شي او هڅه وشي چې له هر عام وګړي یو ذمه دار او مسؤل کلیوال/ښاري جوړ شي، زمونږ نصاب کې ټولنیز یا اجتماعي علم شته، خو په هغه کچه نه دی څومره چې ورته ضرورت حس کیږي. د راډیوګانو له لارې هم دې هدف ته په اسانه توګه رسیدای شو، اوس د هیواد په مرکز او ګڼو ولایاتو کې زیاتې راډیوګانې فعالیت لري، دوی باید د اړوند امارتي مسؤلینو له خوا مجبور کړای شي چې ټولنیزو اخلاقو ته د نورو پروګرامونو په نسبت زیاته توجه وکړي.

دا چې دلته شل کلونه جګړه تېره شوې، دا سبب شوې چې اوس مو ټول شل کلن او له دې معمر نسل تر بل هر څه په سیاست ډیر مصروف وي، آن ادیبان، لیکوالان او شاعران مو هم له یوې مخې جهادي ترانې، نظمونه، په سیاسي وچو کلکو موضوعاتو مقالې او... لیکي او یا په مجازي عشق او محبتونو کې غرق پرق دي.

د دې موضوع دې زاویه کې که لږ غرق او مشخص لاړ شو، ممکن یو څوک رانه ګیله وکړي، چې ولې مورږ ته ګوته نیول شوې ده. په مجموع کې به یې یاده کړو چې واقعیت دا دی، چې په هره کچه یې ووایو، هیڅ فرد دې اړخ ته توجه نه ده کړې او ټولنیز اخلاق نسیا منسیا په هره کورنۍ، هره اداره، هر کلي او ښار کې پاتې دي.

په داسې حال کې چې بهترین عالم صلی الله علیه وسلم په دې اړه زیات ارشادات فرمایلي دي او له لارې د ازار رسوونکي څیز لرې کول یې صدقه ګڼلې ده. او زمونږ د اسلافو رحمهم الله له خوا هم ډیر اقوال، هدایات او د ټولنیزو اخلاقو او ټولنیز مسؤلیت د احساس فواید په ډیر تفصیل سره بیان شوي دي.

عن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: ((الإيمان بضع وسبعون - أو بضع وستون - شعبةً، فأفضلها قولُ لا إله إلا الله، وأدناها إماطة الأذى عن الطريق، والحياءُ شعبة من الإيمان))؛ متفق عليه.

له ابو هریرة رضي الله عنه نه روایت دی چې نبي علیه السلام وفرمایل: ایمان اویا یا شپېته شعبې لري، افضل یې لا اله الا الله ویل دي او ادنی یې له لارې د ضرر او تکلیف لرې کول دي او حیا د ایمان یوه برخه ده.

الله تعالی دې پرې د عمل کولو توفیق راکړي، آمین.

باغچه علم، معرفت و آگاهی

ارشادات ناب

تهیه کننده: عبدالله هروی

☑ خداوند متعال می‌فرماید: پیامبر (خدا) بدانچه از جانب پروردگارش بر او نازل شده است ایمان آورده است، و مؤمنان همگی به خدا و فرشتگان و کتاب‌ها و فرستادگانش ایمان آورده‌اند (و گفتند:) (میان هیچ یك از فرستادگانش فرق نمی‌گذاریم) و گفتند: (شنیدیم و گردن نهادیم، پروردگارا، آمرزش تو را (خواستاریم) و فرجام به سوی تو است). خداوند هیچ کس را جز به قدر توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند. آنچه (از خوبی) به دست آورده به سود او، و آنچه (از بدی) به دست آورده به زیان اوست. پروردگارا، اگر فراموش کردیم یا به خطا رفتیم بر ما مگیر، پروردگارا، هیچ بار گرانی بر (دوش) ما مگذار؛ همچنانکه بر (دوش) کسانی که پیش از ما بودند نهادی. پروردگارا، و آنچه تاب آن نداریم بر ما تحمیل مکن؛ و از ما درگذر؛ و ما را ببخشای و بر ما رحمت آور؛ سرور ما تویی؛ پس ما را بر گروه کافران پیروز کن. (سوره مبارکه البقره / آیات ۲۸۵ و ۲۸۶)

☑ خداوند متعال می‌فرماید: نماز را از زوال آفتاب تا نهایت تاریکی شب برپادار و [نیز] نماز صبح را زیرا نماز صبح همواره [مقرون با] حضور [فرشتگان] است. و پاسی از شب را زنده بدار تا برای تو [به منزله] نافله‌ای باشد امید که پروردگارت تو را به مقامی ستوده برساند. و بگو پروردگارا مرا [در هر کاری] به طرز درست داخل کن و به طرز درست خارج ساز و از جانب خود برای من تسلطی یاری بخش قرار ده. (سوره مبارکه الاسراء/ آیات ۷۸ الی ۸۰)

☑ خداوند متعال می‌فرماید: همانا خداوند و فرشتگانش به پیامبر درود می‌فرستند، ای مؤمنان [شما نیز] بر او درود بفرستید و سلام [و تسلیم] عرضه دارید. کسانی که [می‌خواهند] خداوند و پیامبر او را «برنجانند»، خداوند در دنیا و آخرت ایشان را لعنت می‌کند و برایشان عذابی خفت‌بار آماده ساخته است. (سوره مبارکه الاحزاب / آیات ۵۶ و ۵۷)

☑ خداوند متعال می‌فرماید: پروردگارا ما را وسیله آزمایش [و آماج آزار] برای کسانی که کفر ورزیده‌اند مگردان و بر ما ببخشای که تو خود توانای سنجیده

کاری. (سوره مبارکه الممتحنة / آیه ۵)

☑ خداوند متعال می‌فرماید: و آنچه را که از کتاب پروردگارت به تو وحی شده است بخوان کلمات او را تغییردهنده‌ای نیست و جز او هرگز پناهی نخواهی یافت. و با کسانی که پروردگارشان را صبح و شام می‌خوانند [و] خشنودی او را می‌خواهند شکیبایی پیشه کن و دو دیده‌ات را از آنان برمگیر که زیور زندگی دنیا را بخواهی و از آن کس که قلبش را از یاد خود غافل ساخته‌ایم و از هوس خود پیروی کرده و [اساس] کارش بر زیاده‌روی است اطاعت مکن. (سوره مبارکه الکهف / آیات ۲۷ و ۲۸)

☑ خداوند متعال می‌فرماید: و آنچه را که از کتاب پروردگارت به تو وحی شده است بخوان کلمات او را تغییردهنده‌ای نیست و جز او هرگز پناهی نخواهی یافت. و با کسانی که پروردگارشان را صبح و شام می‌خوانند [و] خشنودی او را می‌خواهند شکیبایی پیشه کن و دو دیده‌ات را از آنان برمگیر که زیور زندگی دنیا را بخواهی و از آن کس که قلبش را از یاد خود غافل ساخته‌ایم و از هوس خود پیروی کرده و [اساس] کارش بر زیاده‌روی است اطاعت مکن. (سوره مبارکه الکهف / آیات ۲۷ و ۲۸)

☑ خداوند متعال می‌فرماید: هر کس شفاعت پسندیده کند برای وی از آن نصیبی خواهد بود و هر کس شفاعت ناپسندیده‌ای کند برای او از آن [نیز] سهمی خواهد بود و خدا همواره به هر چیزی تواناست. و چون به شما درود گفته شد شما به [صورتی] بهتر از آن درود گویید یا همان را [در پاسخ] برگردانید که خدا همواره به هر چیزی حسابرس است. (سوره مبارکه النساء / آیات ۸۵ و ۸۶)

☑ خداوند متعال می‌فرماید: آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، خدا را [به پاک بودن از هر عیب و نقصی] می‌ستایند، خدایی که فرمانروای هستی و بی‌نهایت پاکیزه و توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است. اوست که در میان مردم بی‌سواد، پیامبری از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آنان بخواند و آنان را [از آلودگی‌های فکری و روحی] پاکشان کند و به آنان کتاب و حکمت بیاموزد، و آنان به یقین پیش از این در گمراهی آشکاری بودند. (سوره مبارکه الجمعه/ آیات ۱ و ۲)

☑ خداوند متعال می‌فرماید: اوست دانای نهان و آشکار که شکوه‌مند مهربان است. همان کسی که هر چیزی را که آفریده است نیکو آفریده و آفرینش انسان را از گل آغاز کرد. سپس [تداوم] نسل او را از چکیده آبی پست مقرر فرمود. آنگاه او را درست‌اندام کرد و از روح خویش در او دمید و برای شما گوش و دیدگان و دل‌ها قرار داد چه اندک سپاس می‌گزارید. (سوره مبارکه السجده / آیات ٦ تا ۹)

☑ خداوند متعال می‌فرماید: هرگز بر آنچه از دست شما رود دلتنگ نشوید و به آنچه به شما می‌دهد مغرور و دلشاد نگردید، و خدا دوست‌دار هیچ متکبر خودستایی نیست. همان متکبرانی که خودشان (در احسان به فقیران) بخل می‌ورزند و مردم را هم به بخل و منع احسان وا می‌دارند. و هر که روی (از اطاعت حق) بگرداند خدا به کلی بی‌نیاز و ستوده صفات است. (سوره مبارکه الحدید / آیات ۲۳ و ۲٤)

☑ خداوند متعال می‌فرماید: و اوست کسی که توبه را از بندگان خود می‌پذیرد و از گناهان درمی‌گذرد و آنچه می‌کنید می‌داند. و [درخواست] کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند اجابت می‌کند و از فضل خویش به آنان زیاده می‌دهد و[لی] برای کافران عذاب سختی خواهد بود. (سوره مبارکه الشوری / آیات ۲۵ و ۲٦)

☑ پیامبر ﷺ می‌فرماید: روح شهدا به هر جا که بخواهند، پرواز می‌کند و در قندیل‌هایی که برایشان در عرش تعیین شده، شب را می‌گذرانند. (المسلم)

☑ پیامبرﷺ می‌فرماید: چون ماه رمضان فرارسد، دروازه‌های بهشت گشاده و درهای دوزخ بسته می‌شود و شیطان به بند انداخته می‌شود. (متفق علیه)

☑ پیامبرﷺ می‌فرماید: اسلام بر پنج اساس بنا یافته است: گواهی بر این که جز خدا جل‌جلاله معبود دیگری نیست و این که محمدﷺ پیامبر اوست، بر پای داشتن نماز، دادن زکات، روزه ماه مبارک رمضان و حج خانه خدا برای کسانی که توان رفتن را داشته باشند. (البخاری)

☑ پیامبرﷺ می‌فرماید: مالی را که صدقه دادی، به ملک خود باز مگردان. (متفق علیه)

☑ پیامبرﷺ می‌فرماید: کسی‌که می‌خواهد از آتش دوزخ نجات یابد، صدقه بدهد اگر چه قسمتی از یک خرما باشد. اگر این را هم نداشت حتی به یک سخن نیک نیز می‌تواند دل مردم را بدست آورد. (المسلم)

☑ پیامبرﷺ می‌فرماید: از چیزی که بیشتر از همه می‌ترسم، شرک اصغر است. گفتند: شرک اصغر چیست ای رسول خدا؟ فرمود: ریا. (الاحمد)

☑ پیامبرﷺ می‌فرماید: حسادت جایز نیست مگر در دو مورد: شخصی که الله متعال به او مالی داده و توفیق خرج کردن در راه الله را به وی عنایت کرده است؛ و شخصی که الله متعال به او حکمت و معارف دینی داده و به او آن حکم نموده و عمل می‌کند و - به دیگران نیز - آموزش می‌دهد. (البخاری)

☑ پیامبرﷺ می‌فرماید: داخل جنت نمی‌شود کسی که همسایه‌اش از ضررهای مهلکه‌اش در امان نباشد. (المسلم)

☑ پیامبرﷺ می‌فرماید: باش در دنیا و زندگی کن طوری که گویا تو غریب و بی‌کس و یا راه‌گذر می‌باشی. (البخاری)

☑ پیامبرﷺ می‌فرماید: باید مومن از یک سوراخ دو مرتبه گزیده نشود، یعنی یک مرتبه کسی او را فریب داد بار دوم فریب او را نخورد. (متفق علیه)

☑ نظام سیاسی اسلام عبارت از تنظیم امور مربوطه به رعیت و حکومت در چوکات اصول شریعت اسلامی به شکلی که ضامن رفاه، سعادت، پیشرفت و فلاح دنیا و آخرت مردم و جامعه شود.

☑ ارتباط اسلام با سیاست از نگاه آیات قرآن‌کریم، احادیث نبوی و دلایل تاریخی ثابت شده است و سیاست جزء لاینفک و غیرمجزا اسلام می‌باشد.

☑ علمای تجوید قرائت را به سه رتبه تقسیم‌بندی کرده‌اند شامل: تحقیق، حدر و تدویر.

☑ ترتیل شیوه‌ای از قرائت است که مشخص با احکام و قواعد خاص نیست و قرائت‌های سه‌گانه فوق در ترتیل داخل‌اند، زیرا ترتیل عبارت است از تلفظ صحیح حروف از مخارج با رعایت صفات و خصوصیات آن و مراعات نمودن مواضع وقف و وصل، بدین ترتیب می‌توان گفت که ترتیل همان علم تجوید است.

☑ غلط خواندن قرآن‌کریم یا تلفظ حروف بدون رعایت قوانین تجوید، «لحن» نامیده می‌شود که لحن به دو قسم جلی و خفی است.

☑ ارتکاب لحن جلی حرام است، در برخی موارد به سبب آن معنی متغیر گردیده، نماز باطل می‌شود. ارتکاب لحن خفی (اشتباه ریز و پنهان) اگر چه از نوع اول سبک‌تر است اما مکروه می‌باشد و اجتناب از این نوع خطاها نیز الزامی است.

☑ استماع قرآن مجید بصورت مطلق واجب است و فرض کفائی است، چنان چه خداوند متعال می‌فرماید: چون قرآن خوانده شد، به آن گوش دهید و خاموش شوید تا باشد که به شما رحم شود (سوره مبارکه الاعراف/ آیه ۲۰۴).

☑ تاریخچه قهوه: قهوه برای اولین بار در قرن نهم میلادی در اتیوپی کشف شد. طبق افسانه‌ها، یک چوپان به نام کالدی متوجه شد که بزهایش بعد از خوردن دانه‌های قهوه بسیار فعال‌تر می‌شوند.

☑ عمر طولانی‌ترین موجود زنده: یک گونه از صدف به نام «مُتوس» (Matus) در سال ۲۰۰۶ در سواحل ایسلند پیدا شد که تخمین زده می‌شود بیش از ۵۰۰۰ سال عمر داشته باشد.

☑ قدرت مغز انسان: مغز انسان می‌تواند حدود ۲,۵ پتابایت (معادل ۲,۵ میلیون مگابایت) اطلاعات را ذخیره کند. این مقدار معادل حدود ۳ میلیون ساعت برنامه تلویزیونی است.

☑ رنگ آبی در طبیعت: رنگ آبی در طبیعت بسیار نادر است. بسیاری از گیاهان و جانوران رنگ‌های دیگر دارند، اما تنها تعداد کمی از آن‌ها واقعاً رنگ آبی هستند، مانند برخی از پرندگان و گل‌ها.

☑ زبان‌های دنیا: بر اساس تخمین‌ها، بیش از ۷۰۰۰ زبان در جهان وجود دارد. اما حدود ۹۰ درصد از مردم دنیا تنها به ۱۰۰ زبان صحبت می‌کنند.

☑ قدرت خواب: خواب کافی می‌تواند به تقویت سیستم ایمنی بدن کمک کند. کمبود خواب می‌تواند خطر ابتلا به بیماری‌های مختلف را افزایش دهد.

☑ عجایب طبیعی: بزرگترین ساختار زنده روی زمین، «سدی بزرگ مرجانی» (Great Barrier Reef) است که در استرالیا قرار دارد و از فضا قابل مشاهده است.

☑ آب در زمین: حدود ۷۱ درصد از سطح زمین را آب پوشانده است، اما تنها ۲,۵ درصد از آن آب شیرین است و بیشتر آن در یخچال‌های طبیعی و قطب‌ها ذخیره شده است.

☑ قدرت موز: موزها به طور طبیعی حاوی مقدار زیادی پتاسیم هستند که به حفظ سلامت قلب و تنظیم فشار خون کمک می‌کند. همچنین، موزها حاوی تریپتوفان هستند که می‌تواند به بهبود خلق و خو کمک کند.

☑ عجایب جهان: هفت عجایب جهان باستان شامل بناهای تاریخی و معماری برجسته‌ای هستند که برخی از آن‌ها هنوز هم باقی مانده‌اند، مانند هرم بزرگ جیزه در مصر.

☑ گربه‌ها: گربه‌ها می‌توانند صدای خود را در محدوده فرکانسی بسیار بالا تولید کنند که به آن‌ها کمک می‌کند تا توجه انسان‌ها را جلب کنند. این صداها معمولاً شبیه به نوزادان هستند.

☑ قدرت رنگ سبز: رنگ سبز به عنوان رنگ آرامش‌بخش شناخته می‌شود و می‌تواند به کاهش استرس و اضطراب کمک کند. بسیاری از بیمارستان‌ها و مراکز درمانی از این رنگ در طراحی داخلی خود استفاده می‌کنند.

☑ سفر در زمان: بر اساس نظریه نسبیت انیشتین، زمان می‌تواند تحت تأثیر گرانش و سرعت قرار بگیرد. به عبارت دیگر، اگر شما با سرعت نزدیک به سرعت نور سفر کنید، زمان برای شما کندتر خواهد گذشت.

☑ تعداد ستاره‌ها: تخمین زده می‌شود که در کهکشان راه شیری حدود ۱۰۰ تا ۴۰۰ میلیارد ستاره وجود دارد. همچنین، در کل جهان قابل مشاهده، تعداد ستاره‌ها به تریلیون‌ها می‌رسد.

☑ حس بویایی: انسان‌ها قادر به تشخیص بیش از ۱ تریلیون بو هستند. حس بویایی ما یکی از قوی‌ترین حس‌هاست و می‌تواند تأثیر زیادی بر احساسات و خاطرات ما داشته باشد.

☑ تاریخچه کاغذ: کاغذ برای اولین بار در چین در قرن دوم میلادی اختراع شد. قبل از آن، مردم از مواد مختلفی مانند پاپیروس یا پوست حیوانات برای نوشتن استفاده می‌کردند.

☑ عجایب بی‌نظیر: در طبیعت، برخی از جانوران مانند اختاپوس‌ها و برخی از ماهی‌ها قادر به تغییر رنگ و الگوهای پوست خود هستند تا با محیط اطراف خود سازگار شوند.

بخش سی و پنجم

پرسش و پاسخ‌های شرعی

اهل افغانستانم و در کانادا زندگی می‌کنم، مرغ‌هایی که با دستگاه و تیغهٔ ماشینی ذبح می‌شوند، حلال هستند یا حرام؟

جواب

ذبح با دستگاه هرچند خلاف‌سنت و مکروه است، امّا در صورت تحقق شرایط شرعی، ذبیحه حلال خواهد بود. شرط آن است که مسلمان دستگاه را روشن کند و هنگام فشردن دکمه «بسم‌الله، والله‌اکبر» بگوید و تیغهٔ دستگاه نیز چهار محل ذبح را قطع نماید؛ یعنی دو شاه‌رگ، حلقوم و مری را ببرد و خون جاری شود.

تنها نوشتن «بسم‌الله» بر روی تیغه، یا پخش آن از بلندگو و ضبط صوت، کافی نیست و ذبیحه را حلال نمی‌کند.

پس اگر:

۱. دستگاه را مسلمان روشن کند،

۲. هنگام شروع کار «بسم‌الله» گفته شود،

۳. تیغهٔ دستگاه رگ‌های اصلی، حلقوم و مری را قطع کند،

۴. مرغ زنده به تیغه برسد،

ذبیحه حلال است.

و اگر بسم‌الله گفته نشود، یا مرغ قبل از ذبح در اثر برق بیفتد و بمیرد، یا رگ‌های لازم بریده نشود، چنین ذبیحه‌ای حرام خواهد بود.

(نظام‌الفتاوی ۳۶۸/۱)

هنگام شستن میت، پاهای او به کدام سمت قرار گیرد؟ برخی می‌گویند به سمت قبله باشد و برخی به طرف جنوب.

جواب

اگر امکانش بود، میت را به گونه‌ای قرار دهید که چهره‌اش به سمت قبله، سر به طرف شمال و پاها به طرف جنوب باشد.

اما اگر این ترتیب میسر نبود، می‌توان او را به هر سمتی که ممکن است شست.

(ردالمحتار۸۵/۳)

حکم شیشگانی چیست؟ فلسفهٔ آن چیست و روش انجام آن چگونه است؟

جواب

عقیقه باعث دفع بیماری‌ها و رفع اسباب اذیت و بلا از نوزاد می‌شود.

(صحیح بخاری، حدیث شماره ٥٤٧١)

عقیقه (شیشگانی) مستحب است.

(اعلاء السنن، ذیل حدیث شماره ٥٥١٣)

روز هفتم تولد فرزند (مثلاً اگر کودک جمعه متولد شد، روز پنج‌شنبه؛ و اگر پنج‌شنبه متولد شد، روز چهارشنبه) مستحب است که عقیقه انجام شود.

اگر در روز هفتم ممکن نشد، در روز چهاردهم انجام گیرد، و اگر نشد، در روز بیست‌ویکم.

(ترمذی، حدیث شماره ١٥٢٢)

اگر در این سه تاریخ به هر دلیلی عقیقه انجام نشود، فضیلت زمانی از بین می‌رود، ولی عقیقه بر ذمّه شخص باقی می‌ماند و هر وقت انجام شود، شخص بری‌الذمه خواهد شد.

(فتاوای قاسمیه، ٥١٧/٢٢)

برای پسر دو گوسفند و برای دختر یک گوسفند ذبح شود.

(ترمذی، حدیث شماره ١٥١٣)

اگر توان مالی وجود نداشته باشد، برای پسر نیز یک گوسفند کفایت می‌کند.

(مرقات، ١٥٨/٨)

در روز هفتم، موهای سر نوزاد تراشیده شود و به‌اندازهٔ وزن آن موها، نقره (یا قیمت نقره) صدقه داده شود.

(موطأ امام مالک، حدیث شماره ١٨٣٩)

شخصی دختربچه‌ای داشته است. عموی دختر گفته: «این عروس (نثار) من است»، و پدر دختر نیز این سخن را پذیرفته است. اکنون که دختر به سن بلوغ رسیده، اظهار می‌دارد که آن پسر را نمی‌خواهد. آیا لازم است پسر او را طلاق دهد؟ حکم شرعی چیست؟

جواب

طبق عرف متداول در میان مردم، چنین جملاتی از سوی پدر دختر و داماد، صرفاً در حکم وعدهٔ ازدواج به‌شمار می‌آیند و تا زمانی‌که صیغهٔ نکاح شرعی اجرا نشده باشد، عقد نکاح منعقد نمی‌شود؛ بنابراین در این‌گونه موارد، طلاق لازم نیست.

(فتاوای عثمانی ٢٣٠/٢)

به والدین گرامی توصیه می‌شود که تا زمانی‌که فرزندان به بلوغ سنی و فکری نرسیده‌اند، از تصمیم‌گیری دربارهٔ ازدواج آنان خودداری کنند، و پس از رسیدن به سن بلوغ، با کسب رضایت و مشورت خود فرزندان و با درنظر گرفتن مصالح دینی و خانوادگی اقدام نمایند.

ازدواج تحمیلی، افزون بر اینکه از نظر شرعی ناپسند است، پیامدهای ناگوار و جبران‌ناپذیری در پی دارد.

روش خواندن سجده تلاوت چگونه است؟

جواب

روش خواندن سجده تلاوت به شرح زیر است:

ابتدا نیت کنید که سجده تلاوت را تنها برای رضای خداوند انجام می‌دهید.

سپس با گفتن «الله اکبر»، وارد سجده شوید.

در سجده، حداقل سه مرتبه «سبحان ربی الاعلی» را بگویید.

بعد از ذکر، با گفتن «الله اکبر»، سر را از سجده بلند کنید.

سجده تلاوت نیازی به سلام ندارد.

بهترین حالت انجام سجده تلاوت، ایستاده است. البته اگر در حالت نشسته نیز سجده تلاوت انجام دهید، جایز است.

(الهندیه ١٣٥/١)

✍عبیدالله شکری

تهیه و جمع‌آوری: صلاح‌الدین نیمروزی

سفر به سرای اعمال

یک روز در مکتب، استاد تصمیم گرفت یک سوال هیجان‌انگیز از بچه‌ها بپرسد. او با لبخند گفت: «اگر به شما یک بلیط برای سفر به هرجایی در دنیا بدهند، به کجا می‌روید؟ و چرا آنجا را انتخاب کرده‌اید؟»

همه بچه‌ها با هیجان دستشان را بلند کردند. خالد گفت: «به ساحل دریا، چون آرامش‌بخش است، شن‌ها نرم هستند و صدای موج‌ها آدم را آرام می‌کند.» امیر گفت: «به کوهستان، چون کوهستان پر از هوای پاک و سکوت است. من آنجا احساس آزادی می‌کنم.» مهدی گفت: «به پارک، چون آنجا می‌توانم با دوستانم بازی کنم و خوشحال باشم.»

استاد سری تکان داد و گفت: «اما می‌دانید، بچه‌ها، هیچ کدام از این مکان‌ها دائمی نیستند. ممکن است روزی ساحل طوفانی شود، یا کوهستان بارانی و سرد شود، یا پارک شلوغ و پر سر و صدا باشد.

اما خداوند برای مکانی را وعده داده است که در آن همیشه آسایش و خوشبختی وجود دارد و هیچ‌گاه از بین نمی‌رود.»

بچه‌ها با تعجب به استاد نگاه کردند.

استاد با لبخند ادامه داد:

زندگی ما در این دنیا شبیه یک سفر است. در این سفر، هر کدام از ما باید انتخاب کنیم که به کجا برویم. آیا می‌خواهیم به جایی برویم که پر از خوشبختی، آرامش و شادی است؟ یا جایی که پر از درد، رنج و ناراحتی است؟

«امروز می‌خواهیم درباره‌ی مکانی صحبت کنیم که هیچ جایی از دنیا شبیه آن نیست.»

چشمان بچه‌ها پر از کنجکاوی شد. استاد ادامه داد: «آیا می‌دانید آن کدام مکان است؟»

این مکان، بهشتی است که خداوند برای کسانی که کارهای خوب کرده‌اند، آماده کرده است. جایی است که هیچ خبری از غم و غصه نیست. همه چیز زیبا و آرامش‌بخش است و همیشه باقی می‌ماند. جایی پر از آرامش و شادی بی‌پایان، جایی که هیچ‌گونه درد و رنجی در آن وجود ندارد، جایی که در آن هیچ خبری از مرگ و غم وجود ندارد. انسان‌ها می‌خواهند در مکانی زندگی کنند که همیشه در آن خوشحال و راضی باشند و هیچ چیزی نتواند آن خوشبختی را از آن‌ها بگیرد. انسان‌ها به طور طبیعی به دنبال آسایش و خوشبختی هستند. به همین دلیل، بهشت آرزوی انسان‌ها است.

بهشت سرای شادی و آرامش؛

بچه‌ها تصور کنید که روزی از راه برسید و درهای بهشت به روی شما باز شود و فرشتگان به شما بگویند: «سلامٌ علیکم

طبتم فادخلوها خالدین؛ سلام بر شما! بفرمایید داخل، همیشه اینجا می‌مانید. بهشتی که در آن هوای پاک و رودخانه‌هایی از آب زلال و شیرینی در جریان است. حتی رودهایی از شیر و عسل که برای نوشیدن فراهم شده‌اند! و آنجا پر از منظره‌های زیبا، آرام‌بخش و شادی‌آفرین است و لباس‌هایی از حریر سبز، نرم و راحت، به تن بهشتیان می‌شود.»

بچه‌ها با شگفتی به استاد نگاه کردند و در ذهنشان این مناظر زیبا را تجسم کردند.

استاد ادامه داد:

«در این بهشت، هیچ کسی گرسنه یا تشنه نمی‌شود. همگی در آرامش و شادی به سر می‌برند و هیچ‌کس نمی‌میرد و ناراحت نیست. در قرآن آمده است که خداوند برای بهشتیان، چیزی آماده کرده که هیچ‌چیز شبیه آن را هیچ‌کس نمی‌تواند تصور کند.»

«فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (سوره سجده، آیه ۱۷)؛

هیچ‌کس نمی‌داند چه چیزهای خوشحال کننده و زیبایی در بهشت که مایه‌ی روشنی چشم است، برای انسان‌های خوب به عنوان پاداش کارهای نیک‌شان درنظر گرفته شده است.

بچه‌ها به همدیگر نگاه کردند و بعضی از آنها نفس‌های عمیق کشیدند، گویی می‌توانستند آن بهشت را ببینند. اما استاد چهره‌اش کمی جدی‌تر شد و گفت: «می‌خواهیم درباره‌ی مکانی دیگر هم صحبت کنید که برای کسانی است که کارهای بد انجام داده‌اند. آن مکان، دوزخ نام دارد.»

دوزخ، سزای گناه و نافرمانی؛

دوزخ جای کسانی است که به دستورات خداوند عمل نکرده‌اند و از گناه و نافرمانی دست برنداشته‌اند. این افراد به جایی می‌روند که بسیار وحشتناک است. آنجا دوزخ نام دارد. سکوت عمیقی در کلاس برقرار شد. استاد ادامه داد: «اللَّهُمَّ أَجِرنَا مِنَ النَّارِ؛ خدایا مارا از آن روز وحشتناک نجات بده.»

انتخاب مسیر؛ راه بهشت یا دوزخ؟

استاد سپس با نگاه پرمحبت به بچه‌ها گفت: «اما خبر خوب این است که هرکدام از ما می‌توانیم انتخاب کنیم. خداوند به ما در قرآن می‌فرماید که باید در این دنیا کارهای خوب انجام دهیم تا در آخرت در بهشت باشیم. اگر به والدین‌مان احترام بگذاریم، دروغ نگوییم، به نیازمندان کمک کنیم و نماز بخوانیم، می‌توانیم به بهشت برویم.»

بچه‌ها به حرف‌های استاد گوش می‌دادند و هرکدام در دل خود تصمیم می‌گرفتند که باید بیشتر تلاش کنند تا از کارهای خوب غافل نشوند.

استاد در پایان گفت:

«یادتان باشد که این دنیا مثل یک مزرعه است. هرچیزی که در آن بکارید، در آخرت برداشت می‌کنید. پس بیایید با اعمال خوب، بهشتی برای خود بسازیم و از عذاب دورخ دوری کنیم.»

«بیایید در هر روز زندگی‌مان تصمیم بگیریم که در دنیا چه بکاریم و در آخرت چه برداشت کنیم.»

بچه‌ها با چشم‌های پر از عزم و اراده از کلاس خارج شدند و هرکدام به فکر این بودند که چطور می‌توانند با اعمال نیکو، بهشتی برای خود بسازند و این دعا را با هم زمزمه می‌کردند: «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ».

منبع: کتاب راه زندگی۵، ویژه مکاتب قرآنی و دانش‌آموزی

بخش چهل و شش

زندگان جاوید

گذری کوتاه بر زندگی و شاهکارهای

شهید ملا غلام‌رسول عزیز -تقبله‌الله-

نویسنده : قاری سعید خوستی
مترجم: احمدالله مهاجر

تولد و تعلیم

شهید ملا غلام‌رسول عزیز، فرزند حاجی عبدالأحد و نوه‌ی مرحوم عبدالعزیز، در سال ۱۹۹۰ میلادی در ولایت غزنی، ولسوالی گیلان، قریه‌ی پردل چشم به جهان گشود. او تا دوران نوجوانی از علوم دینی و عصری بهره‌ی کافی برده بود؛ اما اوضاع وخیم کشور روح و روانش را آرام نگذاشت و استعداد خود را یکسره در مسیر جهاد و مبارزه صرف کرد. در همین راه قدم‌های استوار برداشت و سرانجام با روحی خرسند و آرزوهایی برآورده، به لقای پروردگار شتافت.

گام‌های نخستین جهادی

شهید عزیز -تقبله‌الله- هنوز به سن جوانی نرسیده بود که آمریکا و ناتو بر افغانستان یورش آوردند. آتش جنگ برافروخته شد و خانه‌ها به ماتم‌سرا تبدیل گشتند.

او ابتدا به ولایت زابل، ولسوالی شاجوی رفت و تحت قیادت مولوی اخترمحمد احساس، جهاد را آغاز کرد. پس از مدتی به ولسوالی خود بازگشته و به عنوان مسئول ماین‌ها و انفجارات مقرر شد و با عملیات‌های موفقیت‌آمیز، صدها تن از دشمنان داخلی و خارجی را به هلاکت رسانید. سپس به ولسوالی شلگر رفته و با مولوی محمداسماعیل در عملیات‌های جهادی شرکت نمود. پس از آن بار دیگر راهی ولایت زابل شد و در جبهات متعدد، عطش جهادی خود را رفع نمود.

شوق و عشق استشهاد

این قهرمان رشید، همواره از وحشت و ظلم کفار و مزدوران‌شان رنج می‌برد. با آن‌که در سه محاذ بزرگ و عملیات‌های متعدد علیه آمریکایی‌ها و همکاران‌شان حضور داشت، اما روحش آرام نگرفت و تصمیم گرفت تا عملیات استشهادی انجام دهد؛ تا بتواند انتقام مظلومان را بگیرد.

سرانجام با تحمل دشواری‌ها و رنج‌های فراوان، خود را به کندک مجاهدین استشهادی رسانید و ده سال از عمر خویش را با اخلاص در آن صف سپری کرد.

شاهکارهای جهادی

شهید ملا غلام‌رسول عزیز -تقبله‌الله- نه‌تنها یک مجاهد استشهادی، بلکه رهبری زیرک و کاردان نیز بود. با توفیق و یاری الله متعال، عملیات‌های مهمی را رهبری کرد که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. حمله بر عساکر پولندی در غزنی. (۲۸/۰۸/۲۰۱۳ میلادی)؛

وی در سال ۲۰۱۳ میلادی، ۲۸ آگست، طرحی دقیق برای حمله بر نیروهای پولندی و آمریکایی در پایگاه

PRT ولایت غزنی تنظیم کرد. مجاهدین بر این مرکز بزرگ یورش بردند و عملیات هشت ساعت ادامه یافت.
بنابر گزارش وب‌سایت الإماره:
یورش مجاهدین بر اشغال‌گران خارجی در ولایت غزنی پس از هشت ساعت به پایان رسید. در این عملیات ۷۸ عسکر خارجی و ۲۲ عسکر داخلی به هلاکت رسیدند و دو طیاره، شش تانک و ۲۰ عراده موتر دیگرِ دشمن تخریب گردید.
در این عملیات یازده تن از استشهادیان شرکت کرده بودند که پس از دو انفجار موتربمب، فداییان دیگر وارد مرکز شدند و در آنجا سنگر گرفتند. همچنین پانزده تن دیگر از استشهادیان بر قرارگاه‌های دشمن یورش بردند که در نتیجه، شمار زیادی از آنان را به هلاکت رساندند و سلاح‌ها و رینجرهای‌شان را به غنیمت گرفتند. در پایان، یازده تن از استشهادیانی که داخل مرکز شده بودند، همراه با چهار تن از مجاهدین دفاعی، به مقام بلند شهادت نایل آمدند و یازده تن دیگر از مجاهدین دفاعی سالم بازگشتند.
ثمره‌ی این عملیات پیروزمندانه آن شد که اشغال‌گران پولندی افغانستان را به‌طور کامل ترک کردند.

۲. حمله‌ی موتربمب بر قرارگاه دشمن در ولسوالی مُقر. (۲۰/۱۱/۲۰۱۳ میلادی)؛

در تاریخ مذکور، در ولسوالی مُقر ولایت غزنی بر قرارگاهی از دشمن که مردم از آزار و اذیت آن به ستوه آمده بودند، حمله‌ی موتربمب صورت گرفت. در نتیجه‌ی این عملیات، ۳۵ تن از عساکر داخلی کشته شده و قرارگاه به‌طور کامل ویران گردید.

۳. حمله‌ی موتربمب در ولسوالی شلگر. (۰۶/۰۱/۲۰۱۴ میلادی)؛

در این تاریخ، بر یک لانه‌ی مهم دشمن در ولسوالی شلگر ولایت غزنی حمله‌ی موتربمب انجام شد که طی آن، قرارگاه به‌طور کامل از بین رفت و ده‌ها عسکر مستقر در آن کشته شدند.

۴. یورش‌های پی‌درپی بر تأسیسات حکومتی در ولایت غزنی. (۰۴/۰۹/۲۰۱۴ میلادی)؛

شهید ملا غلام‌رسول عزیر -تقبله‌الله- همواره در اندیشه‌ی طرح نقشه‌های بزرگ و تعیین‌کننده بود. این‌بار، او بر قلب ولایت غزنی نقشه‌ای دقیق و کوبنده طراحی نمود. حمله‌ی هم‌زمان بر ریاست امنیت ملی، قرارگاه عساکر «سپشل‌فورس» قوماندانی امنیه و دیگر تأسیسات حکومتی آغاز شد که در آن ده‌ها عسکر حکومتی هلاک گردیدند.
وب‌سایت الإماره در گزارش این عملیات نوشت:
«امروز ساعت ۵ صبح بر مرکز ریاست استخبارات، مرکز قطعه‌ی واکنش سریع، قوماندانی امنیه و تأسیسات حکومتی دیگر، حملات فدایی صورت گرفت. در این عملیات، یازده تن استشهادی (احمد، ملا قدوس، احمد ثانی، حنیف، معصوم، عمر، منتظر، عبدالله، بشیر، یحیی و زید) شرکت ورزیده بودند و با سلاح‌های ثقیله و خفیفه، واسکت‌بمب، آتش‌افکن، پیکا و بمب‌های دستی مجهز بودند.
در گروه نخست، احمد توانست با واسکت‌بمب خویش دروازه‌ی قرارگاه را منهدم ساخته و راه را برای ملا قدوس باز کند. ملا قدوس نیز با موتربمب خود را به قراول‌نظام رسانیده و همان‌جا موتر را منفجر کرد که در نتیجه، قراول‌نظام، اتاق‌های خواب، پهره‌خانه‌ها، مساکن جاسوسان و شمار زیادی از موترهای دشمن تخریب گردیدند. سپس پنج تن دیگر از استشهادیان وارد مرکز شده و بر عساکر باقی‌مانده و نیروهای کمکی عملیات نمودند که چهار ساعت دوام یافت.
گروه دوم که چهار تن با سلاح‌های مجهز بودند، در شهر غزنی بر قطعه‌ی واکنش سریع یورش بردند. یک تن از آنان موتربمب انجام داده و سه تن دیگر داخل مرکز شدند که عملیات تا ساعت ۹ ادامه داشت.
در مجموع، قراول‌نظام استخبارات کاملاً از میان برداشته شد و به شمول قوماندان قادر، ده‌ها تن از افراد دشمن کشته و بیش از شصت تن زخمی گردیدند. یازده تن استشهادی نیز به آرزوی دیرینه‌ی خود رسیده و به مقام بلند شهادت نایل آمدند. تقبّلهم‌الله.

۵. حمله بر زندان غزنی. (۱۴/۰۹/۲۰۱۵ میلادی)؛

در قلب شهید ملا غلام‌رسول عزیر -تقبله‌الله- همواره شعله‌های انتقام از ظلم دشمن افروخته بود. این‌بار ذهن او متوجه زندان غزنی شد و تصمیم گرفت زندانیانی را که به جرم مجاهدبودن در بند بودند، آزاد کند. وی نقشه‌ای دقیق طراحی کرد و در تاریخ مذکور حمله بر زندان را آغاز نمود. قابل ذکر است که طرح این عملیات به طور کامل از جانب او انجام شده بود و مجاهدین دیگری نیز در آن شرکت داشتند. در نتیجه،

۴۲۰ زندانی مجاهد آزاد گشتند و چهار تن از فداییان به مقام شهادت رسیده و سایر هم‌سنگران سالم بازگشتند.

٦. حمله‌ی فدایی در ولایت خوست، ولسوالی یعقوبی. (۱۷/۰۳/۲۰۱۷ میلادی)؛

شهید ملا غلام‌رسول عزیز -تقبله‌الله- به مجاهدین توصیه می‌کرد که چون دشمن تجهیزات بیشتر دارد، ما نیز باید از امکانات موجود به درستی استفاده کنیم. هر مجاهد باید مطابق مهارتش در یک وظیفه مقرر گردد؛ آن‌که در ساخت ماین تبحر دارد، همان مسئولیت را بگیرد و... همچنین بزرگان باید هر روز از آمادگی‌ها اطلاع داشته باشند و مجاهدین، تقوا، اقامه‌ی نماز جماعت و اذکار صبح و شام را همیشه پیشه‌ی خود سازند.

شرح حمله:

اردوی مزدور که در ولسوالی‌های قدیمیِ یعقوبی و صبری ولایت خوست مستقر بودند، موردِ یورش قرار گرفتند. عملیات با انفجار موتربمب توسط مجاهد سنگریار آغاز شد که دروازه‌های قرارگاه را به‌طور کامل منهدم ساخت. پس از آن، استشهادیان دیگر وارد مرکز شده و بر باقی‌مانده‌ی عساکر حمله نمودند. در این قرارگاه ۷۰ تا ۸۰ عسکر حضور داشت که بیشتر آنان و تأسیسات محل، در همان حمله‌ی نخست از بین رفتند.

۷. حمله‌ی موتربمب بر عساکر کمپاین، خوست. (۰۱/۰۴/۲۰۱۷ میلادی)؛

در ولایت خوست، ملیشه‌های وابسته به CIA موسوم به «کمپاین» به آزار و اذیت مردم شهرت داشتند. در این تاریخ، عملیات موتربمب بر این نیروها صورت گرفت که طی آن، اکثر عساکر کمپاین به هلاکت رسیدند.

۸. حمله‌ی موتربمب بر عساکر کمپاین، خوست. (۲۴/۰۴/۲۰۱۷ میلادی)؛

در این تاریخ نیز، بر ملیشه‌های کمپاینی CIA در نزدیکی میدان کهنه‌ی توپچی ولایت خوست، حمله‌ی موتربمب انجام شد. در نتیجه، قرارگاه به‌طور کامل نابود گردید و حدود بیست عسکر مستقر در آن، چنان متلاشی شدند که اجسادشان نیز قابل شناسایی نبودند.

۹. حمله‌ی فدایی بر قطعه‌ی ضربتی، خوست. (۲۷/۰۵/۲۰۱۷ میلادی)؛

ملیشه‌های CIA که از بیم مجاهدین، در موترهای عامه (سراچه) به وظیفه می‌رفتند، بار دیگر هدف حمله‌ی موتربمب قرار گرفتند. مجاهد حافظ ادریس خوستی این عملیات را اجرا نمود و طی آن ۲۲ تن از مزدوران دشمن کشته شدند.

تکالیف و مشقات وی در راه جهاد

شهید ملا غلام‌رسول عزیز -تقبله‌الله- در راه جهاد سه بار زخمی شد:

۱. بار نخست در ولسوالی گیلان، هنگامی که برای آمریکایی‌ها ماین جاسازی کرده بود؛ اما ماین هنگام نزدیک‌شدن خودش منفجر شد و زخمی گردید.

۲. بار دوم در همان ولسوالی، هنگام حمله بر موتر اداره‌ی مزدوران دشمن. آمریکایی‌ها برای کمک به آنان آمدند و بر او و همراهانش حمله کردند؛ در این جریان زخمی شد.

۳. بار سوم در ولسوالی شلگر ولایت غزنی، هنگام جاسازی ماین برای دشمن، که انفجار رخ داد و او مجروح شد.

زندان

شهید ملا غلام‌رسول عزیز -تقبله‌الله- دو بار زندانی شده است که حکایت یکی از آن‌ها را از زبان خودش بشنوید:

«ما در ولایت غزنی یک عملیات بزرگ موتربمب را ترتیب دادیم و مجاهدین استشهادی و موتربمب‌ها را نزدیک هدف، در یک خانه جاسازی نمودیم.

من برای انجام کاری که پیش آمده بود بیرون شدم و به آن‌ها گفتم که فردا می‌آیم. وقتی خارج شدم، در مسیر با کمین آمریکایی‌ها روبه‌رو شده و با چند وسیلهٔ نظامی گرفتار شدم. سخت نگران بودم که مبادا عملیات‌مان افشا شود. اما پیوسته اذکار و تلاوت، مخصوصا سورهٔ یس را ورد می‌کردم. بالآخره پنج روز در زندان بودم و در این مدت، هرگز دربارهٔ وسایل چیزی از من تحقیق نکردند. روز پنجم بود که ناگاه با عجله داخل شده و مرا آزاد کردند.

وقتی نزد دوستانم رفتم، آنان منتظر من بودند و از دیرآمدنم غمگین. آنان جای خود را نیز تغییر نداده بودند. وقتی داستان زندانی‌شدنم را بیان کردم، همه در تعجب افتادند».

او پس از پنج روز زندانی‌شدن، نقشهٔ خود را دقیقاً همان‌گونه که با بزرگان مطرح کرده بود عملی ساخت.

خاطرات جهادی

ایشان یکی از بارزترین فداییان لشکر بدری به شمار می‌رفت که چند خاطرهٔ جهادی او را -که از زبان خودش شنیده شده‌اند- برای‌تان نقل می‌کنیم.

او می‌گوید:

«ما در ولایت غزنی عملیات استشهادی را پلان‌سازی کرده و فداییان را نیز جابه‌جا نمودیم که ناگاه دیدیم در ولایت دیگر نیز عملیات انجام گرفته و ارتباط ما با بزرگان قطع شد. زمانی که برای حمله خارج شدیم، دیدیم تمام راه‌ها از سوی آمریکایی‌ها و اجیران‌شان مسدود شده و در هرجا تلاشی جاری است. ما حیران ماندیم که چه کنیم؛ اما به دوستان‌مان توصیه نمودیم تا اذکار و دعا را بیشتر ورد نمایند. در نتیجه، از همهٔ این اماکن تلاشی به کمک و یاری الله تعالی خارج شدیم و عملیات را پیروزمندانه به سر رسانده و تلفات زیادی بر دشمن وارد کردیم».

شهید ملا غلام‌رسول -تقبله‌الله- یکی دیگر از خاطرات عملیات استشهادی خود را چنین بیان می‌کند:

«ما نقشهٔ عملیات استشهادی را بر کمپ آمریکایی‌ها آماده کردیم و مجاهدین استشهادی و موتربمب را نیز به سوی هدف روانه نمودیم. ناگهان مجاهد استشهادیِ موتربمب با دیواری که نزدیک کمپ بود تصادف کرده و آن را تخریب کرد. آن ساحه حکومتی بود؛ آمدند تا تاوان دیوار را بگیرند که چرا آن را ویران ساخته است!

مجاهد استشهادی با ما تماس گرفت که چنین حالتی پیش آمده، چه کنم؟ ما برایش گفتیم که تو خارج شو! دیگران می‌آیند. هنگامی که آن مردم مجاهدین را دیدند، ترسیده و فرار کردند و موتربمب و مجاهدین استشهادیِ دیگر، پیروزمندانه به هدف خود رسیدند».

شهید ملا غلام‌رسول -تقبله‌الله- در پاسخ به اینکه: «کرامات بعضی فداییان را بیان کنید» چنین اظهار داشت:

«فداییان دارای کرامات بسیاراند و بزرگ‌ترین کرامت‌شان این است که در اواخر عمرشان، وقتی به اتاقی که در آن می‌زیستند و یا به موتری که با آن به سوی هدف روان بودند وارد می‌شدیم، حالت و حواس انسان دگرگون می‌شد. آنان نیز در حالتی دیگر بودند؛ سپیدی چهره‌های‌شان لذتی دیگر داشت و محبت‌شان افزون می‌گشت؛ چنان‌که هر دوستی نزدشان می‌رفت، او را در آغوش می‌گرفتند و بی‌حد شاد بودند».

عشق و محبت دیوانه‌وار شهید عزیز -تقبله‌الله- با شهادت

شهید ملا غلام‌رسول عزیز با شهادت محبت بی‌نظیری داشت و هر بار که عملیات استشهادی آماده می‌شد، او نیز اجازهٔ شرکت می‌خواست؛ اما بزرگان به وی اجازه نمی‌دادند.

بیایید از زبان خودش بشنویم:

«یگانه هدف و آرزویم این است که نزد خداوند متعال قبول شده و شهید گردم. اما اگر الله متعال ما را زود شهید نمی‌کند، حتماً در این خیری نهفته است.

سال اول نام خود را نوشتم و ارادهٔ عملیات داشتم، اما بزرگان به من اجازه ندادند و گفتند که برای تو بعداً آماده می‌سازیم؛ همان بود که نرفتم.

در دنیا یگانه آرزوی من همین است که الله متعال شهادت مقبول را نصیبم گرداند. زمانه‌ها انتظار خواهم کشید، خدمات زیادی انجام خواهم داد؛ اما آرزوی من همان است که گفتم، در حالی که خداوند متعال از ما راضی باشد».

شهید عزیز -تقبله‌الله- در پیامی که به خانوادهٔ خویش گذاشته بود می‌گوید:

«به آنان می‌گویم که بر شهادت من غمگین نه، بلکه خرسند شوند! خدمتی که من در آن مصروف هستم جای افتخار دارد. چنان نباید گویند که وقت خود را ضایع کرده و درس‌های خود را ادامه نداده؛ بلکه این خدمت به اسلام و جهاد است، و جهاد یکی از بزرگ‌ترین ارکان اسلام می‌باشد که سبب بلندی اسلام نیز می‌شود و با جهاد مسلمانان سربلند می‌باشند؛ پس بر شهادت من غمگین نشوید و برایم دعا کنید!»

شهید ملا غلام‌رسول عزیز -تقبله‌الله- در پیام خود به مجاهدین چنین اظهار می‌دارد:

«پیام من به مجاهدین این است که معسکرات خود را به وجه برتر انجام دهند؛ وقت خود را بی‌جا نگذرانند؛ آنچه می‌آموزند به دیگران تعلیم دهند، آن را عملی نموده و بر دشمن استعمال کنند».

خداوند متعال شهادت وی را به درگاه خویش مقبول گرداند!

دا افغانستان اسلامی امارت

بیانیه‌ها و اعلامیه‌های رسمی امارت اسلامی افغانستان

اظهارات سخنگوی امارت اسلامی افغانستان درباره مذاکرات با جمهوری اسلامی پاکستان در ترکیه

امارت اسلامی افغانستان بر اساس موقف دائمی و اصولی خود که حل مشکلات را از طریق دیپلماسی و تفاهم می‌داند، به درخواست و میانجیگری دولت‌های برادر ترکیه و قطر، چند روز با جانب پاکستانی در استانبول گفتگو نمود که امروز پایان یافت. امارت اسلامی افغانستان ضمن قدردانی صمیمانه از جمهوری ترکیه و دولت قطر به خاطر میانجیگری و تسهیل این مذاکرات، نکات ذیل را قابل تذکر می‌داند:

الف: امارت اسلامی افغانستان از آغاز به دیپلماسی و تفاهم باور داشته است، از این رو روند مذاکرات را با صداقت و جدیت، از طریق تعیین یک تیم جامع و مسلکی آغاز نموده و تا این مرحله با همکاری کامل و حوصله تعقیب کرد.

ب: امارت اسلامی افغانستان همان‌گونه که با سایر کشورهای همسایه روابط نیک می‌خواهد، با پاکستان نیز خواهان روابط مثبت است، و متعهد به روابطی می‌باشد که بر اساس احترام متقابل، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر و عدم ایجاد تهدید برای هیچ طرف بنا شده باشد.

ج: مذاکرات استانبول که روند پیچیده‌ای داشت، با این توافق پایان یافت که دو طرف دوباره دیدار کنند و مسائل باقی‌مانده را مورد غور و بحث قرار دهند.

ذبیح‌الله مجاهد
سخنگوی امارت اسلامی افغانستان
۱٤٤۷/٥/۸ هـ ق
۱٤۰٤/۸/۸ هـ ش-۲۰۲٥/۱۰/۳۰م

پیام تسلیت امارت اسلامی به خانواده‌های آسیب‌دیده ناشی از زلزله در ولایات شمال کشور

با تاسف فراوان آگاهی یافتیم که در اثر زلزله شب گذشته در ولایات سمنگان، بلخ، بغلان، کندز و شمار دیگری از ولایات، تعدادی از افغان‌ها شهید و زخمی شده و شمار زیادی از خانه‌ها ویران و خسارات مالی به بار آورده است.

انا لله و انا الیه راجعون

امارت اسلامی مراتب تسلیت خویش را به خانواده‌های آسیب‌دیده ابراز می‌کند، برای شهدا جنت فردوس و به مجروحین شفای عاجل استدعا دارد و به خانواده‌های آسیب‌دیده و نزدیکانشان تسلیت می‌گوید.

همچنان به شمول تمام مسئولین مربوطه امارت اسلامی، به تمام ادارات ذی‌ربط هدایت داده می‌شود که کمک‌های طبی، غذایی و سایر مساعدت‌هایشان را به محلات آسیب‌دیده برسانند، برای نجات افرادی که در زیر آوارها گیر مانده‌اند، تلاش کنند و اقدامات لازم را در خصوص کمک به خانواده‌ها، تهیه خیمه‌ها و سایر نیازمندی‌ها انجام دهند.

از بارگاه الله تعالی استدعا داریم که ما را از این چنین آفات مصئون نگه‌دارد و برای آسیب‌دیدگان شب گذشته، صبر جمیل و اجر جزیل اعطا فرماید.

والسلام

امارت اسلامی افغانستان

۱۴۴۷/۵/۱۲هـ ق

۱۴۰۴/۸/۱۲هـ ش. - ۲۰۲۵/۱۱/۳م

واکنش در پیوند به تجاوز مجدد نظامیان پاکستانی بالای حریم افغانستان

حملات هوایی شب گذشته توسط نظامیان پاکستانی بالای ولایات پکتیکا، خوست و کنر، نقض حریم هوایی افغانستان بوده و در تضاد با تمام نورم‌های قبول شدهٔ بین‌المللی از سوی ادارهٔ پاکستانی می‌باشد.

این چنین جنایات نظامیان پاکستانی نه تنها دستاورد بزرگ نیست، بلکه یکبار دیگر ثابت کرد که این اقدام براساس معلومات نادرست بوده و به جز بحرانی شدن وضعیت و رسوایی و ناکامی رژیم نظامی پاکستان، نتیجه دیگری در قبال ندارد.

امارت اسلامی افغانستان این تخطی و جنایت را شدیداً محکوم می‌کند و یکبار دیگر تکرار می‌نماید که استفاده از حریم هوایی و زمینی خویش و دفاع از مردم را حق شرعی خود می‌داند و در زمان مناسب، پاسخ لازم خواهد داد. ان شاء الله و ما ذالک علی الله بعزیز

ذبیح‌الله مجاهد

سخنگوی امارت اسلامی افغانستان

۱۴۴۷/۶/۴هـ ق

۱۴۰۴/۹/۴هـ ش - ۲۰۲۵/۱۱/۲۵م

بزم شعر و ادب

گنج شایگان الهی

ای ذات پرکرامت و ای جوهر برین!! ای روح پرشرافت و ای جسم گوهرین
دادی بها؛ رساله‌ی این روزگار را ای صفحه‌ی طلایی و ای برگه‌ی زرین
بالای هرچه کون و مکان، نور و رحمتی ای سایه‌ی شریعت و ای آفتاب دین
ای گنج شایگان الهی، تویی همیش سرمایه‌ی زمانه و جان‌مایه‌ی زمین
کردی طلوع و شام شقاوت تباه شد ای دشمن سیاهی و ای مرگ منکرین!!
از لحظه‌ای که نام شریفت به گل نشست گردیده این جریده‌ی عالَم، بسی وزین
از توست این جبین زمین و زمان؛ سپید ای فجر اوّلینِ جهان، صبح آخرین !!
در عرصه‌ی امانت و ایمان و امنیت چشم جهان ندیده به مثل تو، ای امین!

عبدالله حامد تاتار

دنیا کښت دآخرت دی
دا خبره ده ربښتیا
ولی مرد پکی هغه وي
چي سخي وي هم پارسا
په دنیا کي بدي نشته
که بدي نه وي له تا
په دنیا کي خطا نشته
که له تا نه وي خطا
دنیا بحر دی بهیږي
آیني غوندي صفا

رحمن بابا

بلبلا هر شب تو را این ناله‌های زار چیست
لحن‌های خوش ز منقارت چو موسیقار چیست

هر سبق کز دفتر گل خوانده‌ای چون یاد توست
ز اول شب تا دم صبح این همه تکرار چیست

گر نیی موسی و بستان وادی ایمن تو را
این فروزان آتش گل بر درخت خار چیست

گر نه گلشن کارگاه مانی است از تازه گل
هر طرف صد دایره بی گردش پرگار چیست

واعظم خواند به زهد و توبه و مطرب به می
در میان من مانده حیران تا صلاح کار چیست

سال‌ها در خدمت پیر مغان زنار بند
تا شود روشن که سر بستن زنار چیست

هرچه آید چون بود بر موجب فرمان دوست
زاهد خلوت نشین را این همه پندار چیست

بر صریر خامه جامی گر نه چشمت خون گریست
جا به جا سرخی تو را بر دفتر اشعار چیست

مولانا نورالدین عبدالرحمن جامی

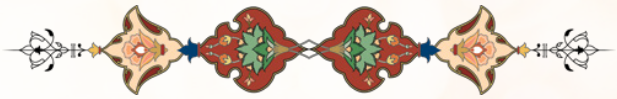

مناجات

الهی! ما از غافلانیم نه از کافرانیم
نگاه دار تا پریشان نشویم

و در راه آر تا سرگردان نشویم
الهی! پسندیدگان ترا با تو جستند و به تو پیوستند

ناپسندیدگان تو را با خود جستند و بگستند
نه او که پیوست بشکر رسید، نه او که گسست بعذر رسید

الهی این همه نوازش از تو بهر ماست
که در هر نفس چندین سوز و نور غایت تو پیداست

چون تو مولایی کراست؟
و چون تو دوست کجاست؟

پیر هرات

Which Foods Are Good for Acid Reflux and Which Are Harmful?

Author: Mustafa Ahmadi

When stomach acid flows back into the esophagus, it's called Gastroesophageal Reflux Disease (GERD). GERD is the chronic form of acid reflux.

This condition happens when the lower esophageal sphincter the muscle at the bottom of the esophagus becomes weak or seriously damaged. Normally, this muscle's job is to stop food and acid from moving upward from the stomach into the esophagus. The symptoms of reflux appear because the amount of stomach acid is either too high or too low. By improving eating habits, these symptoms can be managed to some extent.

What are the symptoms of acid reflux?

The most common symptom is heartburn (a burning feeling in the chest) after eating.

Other symptoms include persistent dry cough, sore throat, bloating and frequent burping, trouble swallowing, feeling like something is stuck in the throat, sour or bitter taste coming back into the mouth.

If you suffer from reflux symptoms due to high stomach acid, this article will give you information about foods that can affect it.

Which foods are good for acid reflux?

1- Vegetables: Because they are low in fat and sugar, vegetables help reduce stomach acid. Green beans, cabbage, asparagus, leafy greens, potatoes and cucumbers are especially helpful.

2- Ginger: Ginger has anti-inflammatory properties and is effective in easing heartburn and other digestive problems. You can add grated or chopped ginger root to meals and drinks.

Series of Jihad Memories / Part 13
Nights in the Trench

Author: Hafiz Mohammad Dawood Muhajir

The nights in the trench carry both bitter and sweet moments. They are nights unlike any other, each one holds a world of stories within it. Some nights speak of attacking the enemy and destroying their nests of fear and oppression. Other nights pass under bombs and fire until morning comes. These are nights when the fighters struggle between fear and hope, between death and life. Very difficult nights!

With a few of my fellow fighters, we had set up a temporary base inside a room in one of the liberated areas. They brought us a walkie-talkie (wireless) and I like the other fighters who had walkie-talkies, had to choose a name for my network and device. Without thinking much, it came to my mind that the name of our walkie-talkie should be "Martyr."

Martyrdom is a familiar name for the fighters and every moment of their lives is tied to it. Yet, not even a full day passed before this name truly matched its meaning, most of the friends in our room were martyred that very night.

That afternoon, we were cheerful together singing songs, talking and the subject of martyrdom came up. Each fighter expressed joy and eagerness for it in his own way and some even made their wills. The atmosphere of our gathering naturally turned toward martyrdom, filled with love for the afterlife. It felt as if Allah Almighty wanted to purify their intentions once more before taking them away.

Another Honor for the Country; Behzad's Miniature Style Registered at UNESCO under Afghanistan's Name

Author: Mustafa Ahmadi

On Tuesday, December 9, 2025 UNESCO announced that the miniature art of Professor Kamaluddin Behzad, after completing technical and cultural procedures, has been officially added to the list of Intangible Cultural Heritage of the United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO).

Behzad's miniature style, considered one of the most outstanding artistic legacies of the Herat School, has now been globally registered under Afghanistan's name in UNESCO's list of Intangible Cultural Heritage. This recognition was made during the 20th session of the Intergovernmental Committee for the Safeguarding of Intangible Cultural Heritage, held from December 8 to 13, 2025, in New Delhi, India.

On December 9, UNESCO officially declared that this art, after a careful evaluation process, is now recognized as part of humanity's intangible heritage under Afghanistan's representation.

According to published information, the proposal to register Herat's miniature art was sent to UNESCO about a year ago. Finally, with the approval of UNESCO's Committee for the Safeguarding of Cultural Heritage, this ancient art of Herat was included among the world's cultural treasures, bringing honor to Herat once again.

This achievement is a great pride for the people of Afghanistan people who value art deeply. Without doubt, Herat's miniature painting is one of the most precious historical arts and its registration at UNESCO has once again drawn the world's attention to the cultural importance of our beloved country, Afghanistan.

Muslim; Pioneer of Revolution and Messenger of Life

Author: Haji Hafiz

Throughout history, the Muslim has been the source of righteous revolutions and the dawn of true happiness in the world. He has always been and will always remain the pioneer of change and the messenger of life. The call to prayer (Adhan) is his voice of freedom. It echoes through the silence of the deadly night, bringing energy and life back to a tired and sleepy world. With this call, he declares that the dark night has ended and the true morning is about to rise.

It was this powerful call that, fourteen centuries ago, rang out from Mount Abu Qais, awakening the world from a deep five-hundred-year sleep. It breathed the breeze of life into humanity's lifeless body and into a dying world. Even today, this call to prayer guarantees the awakening of human beings and the revival of the human conscience.

Iqbal says in one of his verses:

"I do not know where the source of the dawn that brightens the world each day truly lies. But I am certain that the morning which shakes the halls of human existence begins with the call to prayer of the faithful servant."

The Strength and Power of the Believer:

Allama Mohammad Iqbal believes that the extraordinary and miraculous strength of a true believer comes from his mission, his faith and his complete surrender to the will of Allah Almighty. From this devotion, the believer becomes the sharp sword of Allah Almighty, against which no obstacle, whether mountain or sea can stand.

publish is only their own political narrative and interests. When it comes to Afghanistan, they set aside the truth and instead create a dark and distorted image of the country's situation. We have seen examples of this both in the past and present. For instance, in earlier times they portrayed the name of "Taliban" in people's minds as terrorist, extremist, killer and so on.

Their aim now is to discourage and weaken the trust of the Afghan people, making them believe that there is no bright future for the country and that an Islamic system cannot achieve progress. These media outlets never show the security that exists today across Afghanistan; they never speak about the Islamic justice being implemented; they never highlight the growth of trade, the opening of ports, or the expansion of regional economic relations. Instead, they are always searching for the smallest problem, exaggerating it and presenting it as if it were a global crisis. For example, these days such media introduce another group as "opponents of the Taliban" in Afghanistan and spread rumors and false stories about their supposed activities. What they truly fear is that the world may recognize Afghanistan as a model of independence from the West and see that a Muslim country can stand on its own feet and move forward without Western aid or following their policies.

The Role of the Timurid, Seljuk, Ghaznavid and Ghurid Thrones in the Civilization of Herat (Part Two)

Prepared by: Professor Abdul Rasool Rahimyar

The Contemporary Seljuks and the Payhissar Nizamiyya Religious School

The Nizamiyya religious schools were established across the Seljuk Empire during the reigns of the great kings Alp Arslan and Malik Shah. In these educational centers, students from all corners of the world especially from Europe were engaged in study. Since Nizam al-Mulk and the prime minster of the time played a major role in founding these religious schools, they were named after him. The main purpose of the Seljuk Empire in establishing the Nizamiyya religious schools was to promote various sciences and skills and to encourage the intellectual and cultural growth of the people and communities living within the empire.

This idea led to the allocation of a large budget to strengthen these religious schools. Many of the Nizamiyya religious schools during the great Seljuk Empire were located in the region of Khorasan, in cities such as Nishapur, Balkh, Herat and Merv. Later, their reach expanded to Iraq Ajim Ray, Isfahan, Mosul and Basra. In these religious schools, besides cultural subjects, mathematics and other sciences were also taught. Persian, Turkish and Arabic languages were part of the curriculum. Students studied under the guidance of scholars in subjects such as history, astronomy, logic, philosophy, geography, physics, chemistry, and language and literature. Social etiquette was also taught so that students would develop strong personal and moral character. "Seljuk, P.5"

Mullah Mohammad Seljuqi, who escaped from the hands of Nader Afshar, lived with his four children in Tus. Ahmad Shah Durrani, who had been an officer under Nader Afshar, was aware of the reputation of this Seljuq family. When Ahmad Shah came to power, he appointed Mullah Mohammad Seljuqi as Sheikh al-Islam. At the same time, he thought of sending Mullah Mohammad to Herat so that, with his enlightened family, he could revive the city's cultural life. From the mosque and the school near the Payhissar to Fakhr al-Madaris beside the Ikhtiyar al-Din Citadel (today's Payhissar), he established religious schools. Students from Central Asia, India and Iran came to this religious school to pursue knowledge. Later, this religious school became known as Dar al-Nasrah. Many great religious scholars graduated from these religious schools, among them the renowned Allama Salahuddin Seljuqi. "Seljuk, P.6"

- Preserving cultural values

There is no doubt that the beloved people of Afghanistan carry a burning love for their homeland in their hearts. Throughout history, from the time of Alexander the Great to Genghis Khan to Tamerlane and in more recent centuries during the wars between Afghan forces and the British, our people have proven this devotion.

Additionally, the faith and religious commitment of this proud nation has been recorded in the golden pages of history for over 1,400 years. Therefore, there is no question that the people of Afghanistan are both patriotic and Allah almighty fearing. Love of country is an essential part of our noble Afghan and national culture. These cultured, devout and Muslim people have woven the love of homeland into their hearts and veins.

When we speak of the people of Kandahar, we remember their bravery, courage and honor. When we speak of ancient Herat, we recall its culture, art, literature and the tolerance of its people. Likewise, when we speak of beautiful Kabul, we think of the sweetness of its language and the charm of its accent. Additionally, the other cultured and civilized provinces of our dear country.

A Religious, Ethical and Social View of the Duties of a Believer Toward Others in Cold Days

Author: Ahmadullah Jalali

Introduction

Winter for many people is a sign of nature's beauty, the blessing of rainfall and an opportunity to reflect on the greatness of creation. But for others, it is a reminder of hardship, poverty, homelessness and need. In such times, the moral and religious responsibility of every person, especially a believer toward fellow human beings becomes stronger.

Islam, which is built upon mercy, compassion and cooperation, calls its followers to help those in need throughout the year, but especially during difficult seasons. Therefore, studying "the responsibilities of believers in winter" is not only a religious discussion but also a human and social necessity.

The Concept of Responsibility in Islam:

Responsibility in Islam has a broad and comprehensive meaning. Allah Almighty says in the Holy Quran:

«كُلُّ نَفْسٍ بِما كَسَبَتْ رَهِينَةٌ» (مدثر: 38)

Translation: Every soul will be detained for what it has done.

This verse shows that a believer is accountable not only for his personal actions but also for his role toward society and other people. The Prophet Mohammad (PBUH) said:

«كُلُّكُم راعٍ وَ كُلُّكُم مَسؤولٌ عَن رَعِيَّتِه» (متفق عليه)

Translation: All of you are guardians and of you is responsible for his flock.

Psychological Warfare Against Afghanistan and the Deception of Biased Media

Author: Asim Parwani

Psychological warfare is one of the quietest yet most dangerous forms of conflict being used against Afghanistan today, with Western media at the forefront of this battle. For many years, they treated Afghanistan as a field of influence and now they cannot accept that the country has achieved real independence and is governed under an Islamic system.

Western media often claim to support freedom of speech and truth, but in practice what they

relationships is influenced by many factors, including communication tools.

With the arrival of social media in Afghanistan, an important question arises; how have these modern technologies affected the depth, reach and meaning of social relationships among Afghan citizens? Have they strengthened social bonds, dialogue and solidarity, or have they weakened face-to-face interactions, increased isolation and widened social divisions? This issue is to understand this duality and examine it within Afghanistan's unique situation. Since there are no broad and systematic studies in this area, the need to collect and analyze the scattered existing information becomes even more important.

Afghanistan Towards a Production-Oriented and Self-Sufficiency Economy

Author: A'lam Rahmani

Our beloved country, Afghanistan, has tasted dependence for years and, with the slightest global changes, has faced economic problems and rising material prices, all of which have arisen due to the lack of high production and little support for investment.

But currently, the Afghan Ministry of Industry and Commerce, with well-written and forward-looking plans and programs, is striving to move Afghanistan toward self-sufficiency, toward a path where it is no longer dependent.

Getting rid of dependency is actually a great service to the people whose economies are growing and building, people who need to be supported and supported. Undoubtedly, constructive projects are the very support levers that give people hope for a glorious future.

As the Minister of Industry and Commerce, Nooruddin Azizi, recently said in an interview with a local media outlet, 160,000 acres of land have been earmarked for entrepreneurs and industrial sectors, of which 100 acres of land in each province have been allocated to industry. When such support is provided to businessmen, in addition to investment, it is the people who benefit from it, who become job-holders and earn a living.

The Ancient and Deep-rooted Culture of the Afghan People

Author: Mohammad Sediq Mir

Afghanistan is a country with a long cultural history, located in the heart of Asia. Its rich heritage and favorable geographic position have given it a unique and special status.

Culture in simple words, is the collection of people's beliefs, traditions, customs and values. Afghanistan has 34 provinces and each region has its own special traditions and customs. The examples include:

- Celebrating festivals and honoring important days respected by everyone
- Carpet weaving as a traditional craft
- Clothing styles and handmade arts
- Cooking and preparing different kinds of food
- Poetry, mysticism and spirituality
- Wedding ceremonies and mourning rituals
- Gatherings
- Acts of bravery, generosity and hospitality
- Courage and patriotism, along with strong religious values
- Chob bazi (stick play)
- Attan

Increasing Afghanistan's Exports of National Products

Author: Sh. Amiri

Exporting national products is not just a source of income for any country, especially Afghanistan. It is also a driving force for economic growth, job creation and improving people's living standards. In recent years, Afghanistan's exports have gained new momentum and grown significantly compared to past decades. With high-quality agricultural products and a rich tradition of handicrafts, the country has great potential to enter international markets. Afghanistan is now moving toward becoming a more active exporting nation. This article aims to examine the current state of Afghanistan's exports, the factors that influence their growth, the challenges that exist and the ways to strengthen exports in a sustainable way.

Current Situation of Afghanistan's Exports:

In recent years, Afghanistan's exports have grown compared to the past. Statistics show that items such as saffron, pine nuts, dried fruits, carpets, fresh grapes, pomegranates, medicinal plants and precious stones are entering regional and global markets more than before.

Exports to India, China, Arab countries and even Europe reflect positive changes in Afghanistan's economy. Among these products, pine nuts have seen the fastest growth. Rising demand in China, the UAE and some European countries has turned Afghan pine nuts into one of the country's most important export items.

Afghan saffron, known worldwide for its excellent quality has also gained a strong position in international markets and won many global awards. Alongside these, handicrafts such as carpets and rugs have played a major role in boosting export income.

Despite challenges, the recent increase in exports shows that with the right economic policies, better transport facilities and stronger support for producers, Afghanistan can reduce its long-standing dependency and shift its economy from consumption-based to production-based.

The Impact of Social Media on Social Relationships

Author: Professor Mohammad Jawad Forotan

The rise and rapid spread of social media is one of the most influential communication changes of our time. It has transformed the quality, quantity and nature of social relationships across the world.

In Afghanistan, with more access to the internet and smartphones, social media has become an inseparable part of life for millions of people, especially young people within less than two decades. Understanding how these tools affect traditional social structures and personal relationships in Afghanistan's unique context is very important.

This article aims to study the positive and negative effects of social media on the quality of social relationships in Afghan society. Using document-based research and reviewing existing studies, the findings show that social media has two sides:

Positive effects: It makes communication across distances easier, helps revive family and friendship ties, and creates space for social dialogue and civic participation.

Negative effects: It weakens face to face interactions, increases ethnic conflicts and spreads false information which harms the quality of relationships.

Social relationships are networks of personal connections that give people a sense of belonging, support and shared identity. They are the foundation of every society. The quality of these

Afghanistan Will Speak to the World Based on Mutual Respect

Editorial

Today's world has created commitments that push countries to build relationships in all areas, especially with their neighbors. Positive relations with neighboring countries are very important for every nation, because they are vital for many reasons.

Afghanistan, as an independent country has always shown goodwill in its relations with the world, especially with its neighbors and has worked to strengthen these ties on the basis of mutual respect. The achievements of the past two years in expanding Afghanistan's relations with regional and global countries prove this goodwill of the Islamic Emirate of Afghanistan (IEA).

Right now, ministers from different parts of the IEA's cabinet are meeting and discussing with ministers from neighboring, regional and global countries to expand cooperation in various fields. Without doubt, this process will have a positive impact on Afghanistan's future.

Recent events, especially with Pakistan have clearly shown that today's Afghanistan will no longer enter talks from a position of weakness. The Pakistani military, thinking Afghanistan depended on them, acted disrespectfully and with a weak-minded policy toward Afghanistan. In return, they received a strong and decisive response.

Pakistan may never have seen such a policy from Afghanistan before and did not expect that Afghanistan had become stronger and different from the past. By taking actions that questioned mutual respect, they damaged relations between the two countries.

Now it is clear to Pakistan and the world, if relations are not based on mutual respect, Afghanistan will not accept them and viewing Afghanistan as weak is a mistake.

Afghanistan on the Verge of an Economic Revolution

Author: Waheed Mohammadi

These days, Afghanistan has taken on a new name and a new face that has been closely tied to its identity for the past four years and is now becoming more visible. This face is an economic face, marked by an unprecedented transformation and a new shape. One of the signs of this new identity is self-sufficiency, a process that began with the national budget over the past four years and has gradually extended into other areas.

For at least forty years, Afghanistan had never been as independent in managing its national budget as it has been in the past four years. This independence comes from the proper management of the country's resources and wealth, guided by the dedication of officials and as they believe with the blessing of Allah Almighty.

In the field of production and industry, different provinces of Afghanistan have seen progress. These improvements include growth in manufacturing, investment and government support, all working together to drive economic development in the country.

Every day, new contracts are signed and constructive talks take place between Afghan officials and countries around the world, as well as with national investors. This process is steadily increasing. At present, efforts are underway to make use of Afghanistan's opportunities and strategic position so that its people can achieve prosperity.

افغانستان درحال عبور از وابستگی تجاری به پاکستان

بسته‌شدن مکرر مرزهای تجاری افغانستان و پاکستان، فراتر از بحران‌های مقطعی، به تغییر راهبردی در سیاست تجاری افغانستان انجامیده است. امارت اسلامی به‌صورت آگاهانه تلاش دارد وابستگی تاریخی به پاکستان را کاهش داده و مسیرهای تازه‌ای از طریق ایران، ترکمنستان، ازبیکستان، و سایر جمهوری‌های آسیای میانه ایجاد کند؛ مسیرهایی که تا روسیه، هند، کشورهای عربی، اروپا و ایالات متحده امتداد یافته‌اند. ایران اکنون نقش محوری در تجارت خارجی افغانستان یافته و بخش قابل توجهی از صادرات کشور از طریق بندرهای ایران و ترکمنستان صورت می‌گیرد. هرات نیز به‌عنوان یکی از فعال‌ترین مناطق صنعتی افغانستان، با ثبت ۶۰ میلیون دلار صادرات و فعالیت بیش از ۱۱۰ کارخانه، جایگاه مهمی در این تحول دارد.

ایــن تغییر مسیر صرفاً اقتصادی نیست، بلکه پیام ژئوپلیتیکی روشنی دارد؛ افغانستان می‌خواهد از فشارهای سیاسی ناشی از وابستگی به پاکستان رهایی یابد و در ساختار جدید تجارت منطقه‌ای نقش مستقل ایفا کند. بندر چابهار به مسیر کلیدی تجارت خارجی افغانستان تبدیل شده و افزایش صادرات از مسیر حیرتان و ازبیکستان نیز این روند را تقویت کرده است. تماس‌های کابل با دهلی‌نو برای همکاری در صنایع داروسازی نشان می‌دهد افغانستان تمایل دارد با کشورهایی دادوستد کند که کمتر تحت تأثیر تنش‌های سیاسی منطقه‌اند.

در مقابل، پاکستان با اتخاذ سیاست‌های بسته و توقف دادوستد، زیان‌های سنگینی متحمل شده است؛ از جمله واردات زغال‌سنگ از آفریقای جنوبی با چند برابر هزینه پس از قطع صادرات افغانستان. مشکلات شرکت‌های داروسازی پاکستان که میلیون‌ها دلار کالاهایشان در مرزها گیر کرده، جلوه دیگری از پیامدهای این سیاست است.

افغانستان با گسترش صادرات محصولات کشاورزی و صنعتی به آسیای مرکزی، آمریکا و اروپا، جایگاه تازه‌ای در زنجیره تأمین منطقه‌ای یافته است. این فعالیت‌ها نشان از رشد تدریجی ساختار تولید داخلی و اعتماد بازارهای جهانی به کیفیت محصولات افغانستان دارد. در بلندمدت، بهره‌گیری از کریدورهای ایــران، آسیای مرکزی و شمال می‌تواند این کشور را از حالت محصور در خشکی به یک گذرگاه فعال میان آسیای جنوبی، مرکزی و خاورمیانه بدل سازد؛ تحولی که هم توسعه اقتصادی داخلی را شتاب می دهد و هم قدرت چانه‌زنی سیاسی کابل را در منطقه افزایش می‌دهد.

در مجموع، افغانستان در حال تغییر مسیر از اقتصاد وابسته و جنگ‌زده به سوی اقتصاد خودکفا، صادرات‌محور و باز است؛ اقتصادی که نه تنها نیازهای شهروندان را با کیفیت و قیمت مناسب تأمین می‌کند، بلکه کشور را به بازیگری مؤثر در تجارت منطقه‌ای تبدیل خواهد کرد.

تبصره/روزنامه ملی انیس، به نقل از باختر

HAQIQAT

Islamic, Political & Jihadi Bimonthly Magazine

Volume: 13, Issue: 2, November & December 2025

روضه مبارک حضرت علی، معروف به مسجد کبود یا روضه شریف واقع در مزارشریف در شمال ولایت بلخ افغانستان از مهم‌ترین بناهای تاریخی افغانستان است.

ارتباط با ما

واتساپ ۰۰۹۳-۷۹۴۳۶۹۲۹۹

ایمیل haqiqat.mag@gmail.com

ایمیل مجله تنها آدرس دریافت مقالات نویسندگان می‌باشد.

توئیتر Twitter.com/HaqiqatMagazine

تلگرام T.me/haqiqatmagazine